

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# احكام

(آشنایی با احكام)

سال دوم آموزش متوسطه

رشته علوم و معارف اسلامی

## وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

نام کتاب : احکام (آشنایی با احکام) - ۲۳۳/۱

شورای برنامه‌ریزی : حجت‌الاسلام دکتر حسین سوزنجی، حجت‌الاسلام سعید سید حسینی، حجت‌الاسلام محمود توسل،

دکتر محمد مهدی اعتصامی، علی ناسخیان، حسن جعفریان و مهدی حاجیان

مؤلف : حجت‌الاسلام نورالدین شریک

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن : ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار : ۹۲۶۶-۸۸۳۰، کد پستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وب سایت : [www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir)

صفحه‌آرا : صغری عابدی

طراح جلد : مریم کیوان

ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن : ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۱۳۹-۳۷۵۱۵

چاپخانه : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ سوم ۱۳۹۱

حق چاپ محفوظ است.

---

شابک X - ۱۸۰۰ - ۵ - ۹۶۴ - X 964 -05- 1800

---



امیدوارم که خداوند همه ملت‌ها را و خصوصاً ملت ایران را، موفق کند که به‌طور صحیح به احکام اسلام عمل کنند و متکی به الطاف عالی‌ه حق تعالی باشند.

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره وی مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۳ ۱۵۸۵۵ - گروه دسی مربوطه یا پیام نگار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دختر نامه ریزی و تایف کتاب بونی

## فهرست مطالب

- درس اوّل : امر به معروف و نهی از منکر (۱) ..... ۱
- درس دوم : امر به معروف و نهی از منکر (۲) ..... ۵
- درس سوم : دفاع و جهاد ..... ۱۲
- درس چهارم : آداب معاشرت مردان و زنان ..... ۱۸
- درس پنجم : حدود معاشرت محرم و نامحرم ..... ۲۲
- درس ششم : تفریحات ..... ۲۹
- درس هفتم : زکات ..... ۳۴
- درس هشتم : خمس ..... ۴۲
- درس نهم : وصیت ..... ۴۶
- درس دهم : ارث ..... ۵۰
- درس یازدهم : احکام کسب و کار ..... ۵۵
- درس دوازدهم : معاملات حرام ..... ۶۲
- درس سیزدهم : اصطلاحات اقتصادی اسلام (۱) ..... ۶۹
- درس چهاردهم : اصطلاحات اقتصادی اسلام (۲) ..... ۷۶
- منابع و مأخذ ..... ۸۰

## سخنی با دبیران محترم

درس احکام یکی از دروس اصلی رشته‌ی علوم و معارف اسلامی بوده و آموزش آن از مهم‌ترین اهداف این رشته می‌باشد. گذشته از آشنایی و عمل به احکام و دستورات شرع، فهم نظام فقهی اسلام و آشنایی با فلسفه‌ی برخی دستورات، می‌تواند موجب فهم عمیق‌تر دین و برقراری ارتباط بهتر دانش‌آموز با مسائل فقهی گردد. آمیختن مباحث «فلسفه فقه» با «درس احکام» ضمن کاستن از خستگی این درس و تسهیل امر آموزش، به دقت بخشی در مطالعه‌ی مباحث دینی و زدودن شبهات احتمالی پیرامون آن، کمک بسزایی خواهد نمود.

کتابی که پیش رو دارید قسمت دوم و پایانی مجموعه کتاب احکام است که طبیعتاً شامل مباحث نماز، تقلید، روزه و دیگر مباحث کتاب نخست نمی‌باشد. محتوای این کتاب بر طبق برنامه مصوب در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تهیه گردیده است و مؤلف ملزم به رعایت مواد آن برنامه و لحاظ چارچوب‌های معمول کتاب‌های رسمی بوده است. لذا با توجه به محدودیت‌های ساعات درسی و حجم کتاب و برخی ملاحظات دیگر، مباحث مطرح شده صرفاً جنبه‌ی آشنایی با احکام را داشته و به هیچ‌وجه شامل تمام مسائل مربوط به آن بحث نمی‌شود. دبیر مربوطه، در صورت لزوم و به اقتضای شرایط، می‌تواند توضیحات و مثال‌های تکمیلی را به دانش‌آموزان ارائه و یا آنان را به رساله و دیگر کتب مرتبط راهنمایی نماید.

در این کتاب سعی گردیده تا همان روالی که در درس دین و زندگی اجرا شده است دنبال شود و هر درس، شامل فعالیت، نکاتی برای مطالعه و پرسش‌هایی جهت مشارکت فعال دانش‌آموز در کلاس باشد. همچنین ترجمه‌ی برخی آیات و روایات نیز بر عهده‌ی دانش‌آموز گذاشته شده است تا در سایه‌ی آن، به‌طور غیر مستقیم، ادبیات عرب و نیز فهم قرآنی دانش‌آموز توسعه یابد. لازم به ذکر است که این کتاب نه به‌عنوان «خودآموز»، بلکه جهت تدریس توسط دبیر مجرب و آموزش دیده طراحی گردیده است، و پاسخگویی به سؤالات هر درس، مستلزم کمک و هدایت دبیر مربوطه است. جهت هماهنگی و مساعدت بیشتر، علاوه بر تدوین و توزیع کتاب راهنمای معلم، برگزاری دوره‌های ویژه جهت دبیران محترم، در دستور کار سازمان قرار داشته است.

در تألیف این کتاب، که حاصل نظر جمعی و نگارش نهایی مؤلف محترم است، از آوردن اختلاف فتوا خودداری شده و در صورت لزوم، دانش‌آموزان به رساله‌ی مرجع تقلید خود ارجاع داده می‌شود. هر چند محتوای دروس متشکل از متون مندرج در رساله‌های عملیه است لیکن استناد احکام مذکور به شماره‌ی مسائل رساله، با توجه به اختلاف رساله‌های گوناگون، ذکر نگردیده است.

البته یافتن شماره مسئله و صفحه‌ی مربوط به هر مبحث، با توجه به مختصر بودن نوع مسائل در رساله، بسیار آسان خواهد بود.

آشنایی با اصطلاحات فقهی گرچه برای دانش‌آموز رشته معارف می‌تواند مفید باشد اما جهت جلوگیری از خاطره ناخوشایند درس احکام و با در نظر گرفتن سختی نسبی این درس، از آوردن اصطلاحات تخصصی فقهی ممانعت به عمل آمد تا دانش‌آموز به جای تمرکز بر محتوا و مضمون، در دام صعوبت الفاظ و به‌خاطر بسیاری آن‌ها گرفتار نیاید. همچنین به صلاح‌دید شورا، از ذکر مستحبات و مکروهات و احکام مفصل خودداری گردیده و همت اصلی بر واجبات و اصول هر بحث متمرکز گشت.

لازم به ذکر است که درس «دین و زندگی» که اکنون در رشته «علوم و معارف اسلامی» تدریس می‌شود با انتشار تدریجی کتاب‌های «احکام»، «اخلاق» و «اصول عقاید»، از این رشته حذف خواهد شد. بنابراین همپوشانی‌های احتمالی این کتاب و کتاب «دین و زندگی» جای اشکال و نگرانی نخواهد بود.

امید است با مطالعه و در میان گذاشتن نظرات پیشنهادی خود، ما را در جهت ارائه هر چه بهتر کتاب‌های درسی یاری نمایید.

خداوند همیشه یار و یاورتان باشد

## دانش آموزان گرامی

### سلام بر شما

خداوند منان که بهشت را منزلگاه نهایی انسان قرار داده، راه رسیدن به آن را نیز به انسان آموخته است؛ راهی که خوشبختی دنیا را نیز به همراه دارد.

### و آفرین بر شما

که در رشته‌ای تحصیل می‌کنید که شناخت پیام نجات‌بخش الهی هدف آن است.

کتابی که پیش‌رو دارید سعی دارد گوشه‌ای از احکام عملی اسلام را به ما بیاموزد، احکامی که در قالب رساله‌ی عملیه با آن آشنا هستید. قطعاً احکامی که روشنی‌بخش راه زندگانی ماست بسیار فراتر از آن است که در صفحاتی محدود بگنجد، هر کدام از ما نیز مرجع تقلیدی داریم که منبع ما در شناخت احکام است. پس در هر مسئله‌ای باید به رساله‌ی عملیه‌ی مرجع تقلیدتان نیز مراجعه کنید و از دبیر گرامی کمک بگیرید.

احکام الهی مبتنی بر علم و حکمت است و قطعاً آنچه خدا از ما خواسته در رشد و بالندگی ما نقش دارد. سعی کنیم همیشه این را در خاطر داشته باشیم و با میل و رغبت به احکام عمل نماییم. احکام الهی موضوعی است که در همه‌ی زندگی با آن سروکار داریم و باید آن‌ها را بکار گیریم؛ خواه دانش‌آموز باشیم و خواه دبیر، خواه بخواهیم این رشته را ادامه بدهیم خواه نه. پس چه بهتر که از این فرصت به بهترین نحو استفاده کنیم و آن را به کاملترین شکل بیاموزیم.

موفق باشید و خدا یارتان باد



## امر به معروف و نهی از منکر (۱)

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ  
تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۱۰

ترجمه: شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده‌اید؛ به کار پسندیده توصیه نموده و از کار ناروا نهی می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

### الف) جایگاه رفیع امر به معروف و نهی از منکر

«امر به معروف و نهی از منکر» همانند نماز و روزه از واجبات الهی به شمار می‌آیند. جایگاه نماز در میان سایر آموزه‌های اسلامی، بالاتر از سایرین بوده و قبولی اعمال بسته به آن است. بالاتر از نماز، ولایت قرار دارد که شرط قبولی نماز و سایر اعمال است. در این میان، «امر به معروف و نهی از منکر» خصوصیتی دارد که موجب شده تا برتر از سایر واجبات عملی باشد، زیرا «امر به معروف و نهی از منکر» زمینه‌ساز انجام سایر فرایض در جامعه است. از این رو، در نهج البلاغه، امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام جایگاه بی‌نظیر این دو فرضیه را چنین بیان می‌دارد:

«وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ

إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ»<sup>۱</sup>

همه‌ی اعمال نیکو و جهاد در راه خدا در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر همانند دمیدنی بر دریای پهناور پر موج است.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر آن‌چنان زیاد است که در آیات و روایات نسبت به ترک آن هشدارهای شدیدی ذکر شده و عذاب‌ها سختی برای افراد بی‌تفاوت نسبت به آن، وعده داده شده است؛

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۷۴.

در آیه‌ی ۱۶۵ سوره‌ی اعراف، خداوند می‌فرماید: «کسانی را که نهی از منکر کردند نجات دادیم و باقی افراد را به خاطر گناه و نافرمانی دچار عذابی بسیار سخت کردیم». و در روایتی از مولای متقیان، علی علیه السلام می‌خوانیم: «خداوند سبحان مردم پیشین را بدین علت مورد لعن و دوری از رحمت قرار داد که امر به معروف و نهی از منکر را ترک نمودند».<sup>۱</sup>

## فعالیت

با توجه به آیه‌ی ابتدای درس، ارتباط میان «امر به معروف و نهی از منکر» و امت برتر شدن را توضیح دهید .....

.....

.....

.....

## ب) مفهوم امر به معروف و نهی از منکر

توصیه به انجام کار واجب را «امر به معروف» و توصیه به ترک گناه و کار حرام را «نهی از منکر» می‌گویند. این توصیه معمولاً از طریق گفتار انجام می‌پذیرد ولی منحصر به آن نیست؛ به وسیله‌ی اشاره، نوشتن و کلمات غیر مستقیم نیز می‌توان امر به معروف و نهی از منکر نمود.

امر به معروف دارای انواع و اقسامی است که بسته به شرایط مختلف، لحن متناسب با آن باید به کار رود؛ همانند والدین که برای امر و نهی فرزند خود گاه مهربان و گاه با شدت برخورد می‌کنند تا وی را از خطر مصون دارند.

همان‌طور که در مفهوم «امر» و «نهی»، بین معنای قرآنی آن با معنای رایج در زبان فارسی تفاوت وجود دارد، در مفهوم «معروف» و «منکر» نیز شاهد این تفاوت می‌باشیم؛ در عرف معمول، «معروف» به هر کار خوب و ارزشمندی که انجام آن مورد تأیید عقل و شرع باشد گفته می‌شود و «منکر» نیز به کار زشت و ناپسندی اطلاق می‌شود که با فطرت سلیم ناسازگار بوده و از نظر عقل و شرع قابل پذیرش نباشد. اما در این بحث، مقصود از «معروف» فقط کارهای واجب و مستحب، و مقصود از «منکر» فقط کارهای حرام بوده و کارهای مکروه را شامل نمی‌شود.

«امر به معروف» و «نهی از منکر» دو اصطلاح شرعی‌اند که معمولاً همراه یکدیگر به کار می‌روند

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

و گاهی به طور خلاصه فقط یکی را ذکر می کنند. هرگاه عملی واجب، مانند نماز خواندن، ترک گردد «امر به معروف» باید نمود و هرگاه گناهی، مانند غیبت یا دروغ، صورت گیرد «نهی از منکر» صورت می گیرد. در نتیجه، این دو فرضیه، کاربردی جداگانه داشته و دو واجب محسوب می شوند.

## فعالیت

امر به معروف و نهی از منکر تحت چه عناوین و نام‌هایی در جامعه انجام می‌شود؟  
.....  
.....  
.....

## ج) انواع امر به معروف و نهی از منکر

همان‌طور که اشاره شد امر و نهی اقسامی دارد و از توصیه‌ی دوستانه تا دستور آمرانه را شامل می‌شود. همین‌طور علاوه بر گفتار مستقیم، شامل رفتار و درخواست‌های غیر مستقیم نیز می‌گردد. چنانچه قیام‌های بسیاری در تاریخ برای تحقق امر به معروف و نهی از منکر صورت گرفته است. گذشته از شیوه‌های ابراز امر و نهی، آنچه به آن امر و نهی می‌شود نیز مهم است؛ امر به انجام واجب در مقایسه با امر به انجام مستحب دارای اهمیت بیشتری است. همین‌طور برخی گناهان شدیدتر از دیگر گناهان بوده و نهی از آنها مهم‌تر به شمار می‌آید. نهی حاکم ظالم از انجام اعمال منکر، و نیز امر به معروف مسئولین حکومت، از با ارزش‌ترین اعمال محسوب شده و ثمره‌ی آن به مراتب بزرگ‌تر از نهی از منکرهای جزئی است. از این‌رو معتقدیم، قیام بر ضدّ ظلم؛ نظیر قیام عاشورا، انقلاب اسلامی ایران و مقاومت حزب الله لبنان در صدر مهم‌ترین امر به معروف و نهی از منکرها قرار دارد. همانند هرکار ارزشی، که اقدام بر خلاف آن ضدّ ارزش می‌باشد، در مقابل «امر به معروف» و «نهی از منکر» نیز، «نهی از معروف» و «امر به منکر» قرار دارد و افراد منحرف یا ناآگاه، از طریق آن، دیگران را به سوی انحراف یا مسیر اشتباه خود دعوت و توصیه می‌کنند. امروزه رسانه‌های بین‌المللی از طریق روش‌های گوناگون به این کار مبادرت می‌نمایند. در زندگی روزمره‌ی خود نیز چه بسا از سوی دوستان یا دیگر افراد، بارها «نهی از معروف و امر به منکر» شویم!

## فعالیت

چند نمونه از روش‌های امر به «منکر» و نهی از «معروف»‌های غیرمستقیم را مثال

بزنید. ....  
.....  
.....  
.....

### د) شیوه‌های نوین امر به معروف و نهی از منکر

امروزه رسانه‌های صوتی و تصویری و مکتوب، تأثیر فراوانی در کنترل افکار عمومی جامعه و هدایت آن دارند و با روش‌های پیشرفته‌ی علمی، ارزش‌های یک جامعه را دگرگون می‌کنند. این امور نه با نام «امر به معروف و نهی از منکر» انجام می‌شود و نه «موعظه» یا «نصیحت»، بلکه با تبلیغ، پیشنهاد، تحسین یا بدگویی از یک رفتار، و بدون برانگیختن حس مقاومت مخاطب در برابر عقیده‌ی تحمیلی صورت می‌گیرد. تأمل در این شیوه‌ها و شناخت آن‌ها راهنمای ارزنده‌ای جهت روش‌های مناسب امر به معروف و نهی از منکر می‌باشند.

### بیندیشید و پاسخ دهید

۱- انسان در زندگی خود به‌طور ناخودآگاه «امر به معروف و نهی از منکر»‌های فراوانی انجام می‌دهد. نمونه‌هایی از این نوع را در زندگی خود بیابید و در کلاس مطرح نمایید.

۲- معنای «امر» در اصطلاح «امر به معروف» چیست؟

۳- چرا افراد گناهکار با آن‌که خود به گناه آلوده‌اند گناه دیگران را به ناپاکی متهم و آن‌ها را سرزنش می‌کنند؟

۴- با انجام گناه در یک جامعه‌ی انسانی چه ضررهایی به دیگران می‌رسد؟

۵- هدف و ثمره‌ی «نهی از منکر» چیست؟

۶- ترک «امر به معروف و نهی از منکر» چه ضررهایی را متوجه خود فرد

می‌کند؟

## امر به معروف و نهی از منکر (۲)

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۴

ترجمه: و باید از میان شما، گروهی به سوی خیر دعوت کنند و به کار معروف، امر و از منکر، نهی کنند، و آنان همان رستگارانند.

● در درس قبل با مفهوم، اهمیت و انواع «امر به معروف و نهی از منکر» آشنا شدیم. در این درس، شرایط و وجوب، روش انجام و مراتب امر به معروف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### الف) شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

«امر به معروف و نهی از منکر» از واجبات کفایی است که انجام آن بر همگان واجب است و اگر هیچ‌کسی آن را انجام ندهد همگی گنهکار محسوب می‌شوند. توصیه به انجام امور مستحبی و ترک مکروهات، مستحب است ولی توصیه به انجام واجبات و ترک محرّمات در صورت وجود شرایط لازم، بر هر فردی واجب است.

این شرایط عبارتند از:

۱- تشخیص معروف و منکر: اگر فرد، علم کافی نداشته باشد و مصادیق معروف و منکر را به درستی تشخیص ندهد ممکن است کاری را منکر فرض و از آن نهی کند، درحالی‌که آن کار، در واقع، منکر و گناه نباشد و یا به خیال واجب (یا مستحب) بودن آن عمل، دستور به انجام آن دهد در صورتی‌که انجام آن حرام، مکروه، یا مباح باشد.

این‌گونه امر به معروف و نهی از منکرها علاوه بر ایجاد هرج و مرج و بدبینی نسبت به احکام

دین، موجب رواج خرافات و امور خلاف دین در جامعه می‌گردد. اولین شرط آمر به معروف و ناهی از منکر، اطلاع دقیق از احکام شرع و «حلال و حرام»ها می‌باشد؛ کسی حق ندارد مردم را از امور حلال و مباح منع کند و یا به امور ناپسند سفارش کند. بنابراین، شرط اول آن است که بداند آنچه انجام گرفته منکر (گناه) است و لازم است برای انجام آن تذکر داده شود. داستان‌های بسیاری در این باره نقل شده است که نمونه‌ای از آن را می‌توانید در انتهای این درس مطالعه نمایید.

**۲- عدم ترتب مفسده:** وظیفه‌ی هر انسانی در صورت مشاهده انجام منکر یا ترک معروف، امر و نهی است، به شرطی که این امر یا نهی، موجب مفسده نشود، وگرنه انجام آن نه تنها واجب نیست بلکه حرام است؛ مثلاً اگر «امر به معروف و نهی از منکر» موجب ریختن آبروی یک فرد مسلمان شود جایز نیست و باید به زمان و مکان مناسب‌تری واگذار گردد. همچنین اگر انجام «امر به معروف یا نهی از منکر» همراه با ارتکاب گناهی دیگر باشد جایز نیست؛ مانند ورود به حریم شخصی افراد، تجسس، افشای سرّ و ... .

**۳- اصرار به ادامه:** در صورتی که فرد خاطی قصد ادامه‌ی عمل خود را داشته باشد لازم است قبل یا حین آن، به وی تذکر داده شود. اما در صورتی که وی پشیمان شده و از ادامه‌ی کار نادرست خویش دست بردارد، و جواب «امر به معروف و نهی از منکر» ساقط می‌گردد. اگر فرد در خفا مرتکب گناه شد و شخص دیگری اطلاع یافت بروی واجب است با رعایت آبروی فرد و در نهان، او را امر یا نهی کند ولی تجسس در امور افراد جایز نیست و حرام است.

**۴- احتمال تأثیر:** از دیگر شرایط وجوب، مؤثر بودن یا احتمال تأثیر است. اگر قرائن طوری است که شخص تشخیص می‌دهد «امر به معروف و نهی از منکر» تأثیر نمی‌گذارد واجب نیست. بلکه ممکن است مستحب باشد. و اگر احتمال تأثیر عکس دهد انجام آن جایز نیست، بلکه باید روش را تغییر دهد و در فرصت و شرایط مناسب به انجام آن مبادرت ورزد. البته گاهی تأثیر، مستلزم تکرار عمل و مداومت در گفتن است که در این صورت، عدم تأثیر یک‌باره، موجب رفع وجوب امر به معروف نمی‌شود و باید تذکر را تکرار نمود. گاهی تغییر رفتار و تأثیر، مستلزم صبر و مداومت چند ماهه یا چندین ساله است.

به طور کلی، کم‌تر موردی یافت می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر بی‌تأثیر باشد؛ آنچه مهم است یافتن شیوه و روش مناسب می‌باشد.

**۵- عمل به گفتار خود:** کسی که «امر به معروف یا نهی از منکر» می‌کند خود نیز باید عامل به معروف و تارک منکر باشد. و حقیقتاً چه کسی سزاوارتر از خود برای اجرای معروفی است که دیگران را به سوی آن فرا می‌خوانیم؟ بنابراین هم خود باید به آن عمل کنیم هم دیگران را به آن توصیه

نماییم. البته عمل به گفتار خود، شرط وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» نیست و بهانه‌ای جهت انجام ندادن آن به‌شمار نمی‌رود، ولی شرط تأثیر در مخاطب می‌باشد.

هیچ یک از ما معصوم نیستیم و ممکن است گاهی مرتکب خطا یا اشتباه شویم. همین اندازه که نسبت به کاری که می‌خواهیم به آن، امر یا نهی کنیم عامل باشیم کافی است تا مورد اعتراض قرار نگیریم. البته سخن افراد پاکیزه و درستکار، تأثیری به مراتب بیش‌تر از افراد عادی دارد و چنانچه در کتاب‌ها نیز نمونه‌های آن ذکر شده گاهی موجب تحول افراد گنهکار می‌گردد.

## تأمل

شنیدن موعظه از شخصی که خود به آن عمل نمی‌کند چه تأثیراتی می‌تواند بر شما داشته باشد؟



## ب) روش انجام امر به معروف و نهی از منکر

«امر به معروف و نهی از منکر» بسته به موقعیت‌های مختلف دارای روش‌های گوناگون است که فرد با در نظر گرفتن شرایط مخاطب و محیط، باید روش مناسب را انتخاب و اجرا کند تا بهترین تأثیر را در فرد و اجتماع بگذارد. روش‌های غیرمستقیم به علت این که مقاومت کمتری در برابر آن صورت می‌گیرد و مخاطب احساس شرمندگی و حقارت نمی‌کند مؤثرترند، ولی به کارگیری آن‌ها نیازمند تفکر و هنرمندی است. نمونه‌ی مشهور این روش، برخورد امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام با پیرمردی است که وضویش اشتباه بود و آن دو بزرگوار، با درخواست از پیرمرد برای قضاوت بین وضو گرفتن آن‌ها، اشتباه پیرمرد را بدون هیچ کلامی تصحیح کردند.<sup>۱</sup>

نمونه‌ی دیگر، برخورد امام کاظم علیه السلام با بُسر حافی است که در خانه‌اش مجلس عیش و نوش برقرار بود و امام خطاب به خدمتکار وی فرمود: «صاحب این منزل بنده است یا آزاد؟» زمانی که خدمتکار با غرور پاسخ داد: «صاحب اینجا آزاد است»، امام نیز تأیید نمود: «بله... آزاد است... اگر بنده بود این‌طور در منزلش بساط گناه برپا نمی‌کرد!». هنگامی که این جملات سنجدیه به گوش صاحب‌خانه رسید او را سخت متحوّل کرد و پابره‌نه به دنبال امام افتاد و از گناه چنان توبه نمود که شهره‌ی تاریخ گشت.<sup>۲</sup>

۲- داستان راستان، جلد اول، شماره‌ی ۴۴

۱- داستان راستان، جلد دوم، شماره‌ی ۱۰۳

## پیشنهاد

با مطالعه و دقت در زندگی بزرگان دین، خصوصاً ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام، نمونه‌هایی از این روش‌ها را می‌توانید پیدا نموده و به کلاس ارائه کنید.

امروزه در تهیه‌ی فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی و نیز مقالات، کتاب‌ها، سایت‌ها و آگهی‌های تبلیغاتی، از این روش‌های غیر مستقیم، به صورت حرفه‌ای و به گونه‌ای که مخاطب متوجه هدف اصلی تهیه‌کننده یا نویسنده نشود، به طور گسترده استفاده می‌گردد. البته گاهی نیز روش مستقیم مؤثرتر است و با رعایت ادب و احترام و سایر شرایط اسلامی می‌توان از آن استفاده نمود.

## برای دانش‌آموزان فعال

امر به معروف و وظیفه‌ی حکومت (حسبیه) است یا مردم؟

بی‌تفاوت بودن و سکوت نکردن در برابر انحراف و ظلم، یا همان «امر به معروف و نهی از منکر» جزء واجبات کفایی است که اختصاص به عده‌ای خاص ندارد. و همان‌طور که افراد یک جامعه وظیفه دارند یکدیگر و مسئولین را «امر به معروف و نهی از منکر» کنند، حکومت (مسئولین) نیز وظیفه دارد جلوی انجام منکر و ترک معروف را در جامعه بگیرد و با آن مقابله کند. در گذشته‌ای نه چندان دور، تشکیلاتی به نام «اداره‌ی حسبیه» در حکومت اسلامی وجود داشت که وظایف گسترده‌ای بر عهده داشت و بر مردم و کسب و کار آن‌ها نظارت می‌کرد. به عبارت دیگر تمام کارهایی که امروزه «شهرداری»ها و «نیروی انتظامی» انجام می‌دهد جزء وظایف این افراد بوده است. اما به تدریج به دلیل برخوردهای سیاسی و ایجاد مزاحمت برای برخی افراد، این نهاد حکومتی کم‌رنگ شد و از میان رفت یا محدود شد.

امروزه نیز، از سویی وظیفه‌ی حکومت است که مردم را امر به معروف کند و از سوی دیگر وظیفه‌ی مردم که مسئولین را نهی از منکر نمایند. در این میان، مطبوعات و رسانه‌ها نقش پررنگ‌تری را در این ارتباط ایفا می‌کنند.

\* \* \*



## ج) مراتب امر به معروف و نهی از منکر

«امر به معروف و نهی از منکر» دارای مراتبی است که هر یک شامل درجات خفیف تا شدید می‌شود. تا زمانی که درجه‌ی خفیف کافی باشد نباید از درجه‌ی شدیدتر استفاده نمود. مراتب مختلف «امر به معروف و نهی از منکر» به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱- **مرتبه‌ی قلبی:** در این مرتبه، شخص، ناراحتی قلبی خود را (به سبب مشاهده‌ی گناه) از طریق چهره، طرز نگاه یا رفتار به مخاطب انتقال داده، به مخاطب می‌فهماند که کارش اشتباه است و مورد رضایت و تأیید نیست. این مرتبه خود دارای درجات متعدد است که از حالت صمیمانه و دوستانه، آغاز و به حالت جدی و غیر محبت‌آمیز می‌تواند منتهی شود.<sup>۱</sup>

۲- **مرتبه‌ی زبانی:** در صورتی که مخاطب با زبان رفتار متوجه زشتی عمل خود نشود و از آن دست بردارد، نوبت به مرحله‌ی زبانی می‌رسد؛ صحبت، سؤال، نصیحت، تشویق و توصیه، از درجات خفیف این مرتبه‌اند که می‌تواند به صورت غیر مستقیم و کنایه باشد. گاهی نیز لازم است از مراحل شدید زبانی مانند سرزنش، بازخواست یا تهدید استفاده نمود. تشخیص مرحله و درجه‌ی مناسب بستگی به شرایط زمانی و مکانی دارد و باید به دقت و کاردانی تمام، گزینش گردد.

۳- **مرتبه‌ی عملی:** عبارت است از دور نمودن ابزار گناه، جلوگیری از انجام کار خطا با استفاده از قدرت دست و بازو، برنامه‌ریزی و به کار بردن فکر و فراهم کردن اقدامات و تدبیر عملی برای انصراف فرد از معصیت و مشغول نمودن وی به کار مفید، آموزش عملی ترک منکر و انجام معروف از طریق عمل به معروف و ترک منکر و الگو بودن برای دیگران، و به طور کلی؛ تمام اقدامات عملی جهت دور نمودن فرد از محیط گناه.<sup>۲</sup>

مراحل شدید استفاده از زور، که ممکن است منجر به ضرب و جرح شود جایز نیست، مگر در مورد دفاع از جان و ناموس خود یا دیگران. همچنین اگر اسلام در خطر باشد، با اذن امام معصوم علیه السلام یا ولی و فقیه باید به مقابله با دشمنان اسلام پرداخت. از این رو جهاد در برابر دشمنان نیز نوعی «امر به معروف و نهی از منکر» عملی محسوب می‌شود.

۱- با این که اثرات این مرتبه گاهی مؤثرتر از مرتبه‌ی زبانی است بسیاری از متدینین از اهمیت آن غافلند و فقط از تذکر زبانی استفاده می‌کنند. گاهی نیز در صورت مؤثر واقع نشدن تذکر زبانی استفاده از این مرتبه (مانند قهر کردن یا کم تحویل گرفتن) بسیار مؤثر است.

۲- برای آگاهی بیشتر درباره‌ی امر به معروف عملی رجوع کنید به: حماسه حسینی، ج ۲، ص ۹۶ به بعد، استاد شهید مرتضی مطهری.

## برای دانش آموزان فعال

حکایتی درباره‌ی «امر به معروف و نهی از منکر» به شیوه‌ی جاهلانه

شهید بزرگوار مرتضی مطهری (رحمت الله علیه) چندین حکایت از روش‌های نادرست امر به معروف و عواقب آن را نقل نموده است که یکی از آن‌ها را با هم می‌خوانیم:

«یکی از آقایان نقل می‌کرد که مردی در مشهد، نه تنها نماز نمی‌خواند و روزه نمی‌گرفت بلکه به هیچ چیزی اعتقاد نداشت، یک آدم ضد دین بود. می‌گفت مدت زیادی با این آدم صحبت کردیم تا این که نرم شد و روش خود را به کلی تغییر داد و واقعاً معتقد و مؤمن شد. نمازش را می‌خواند و روزه‌اش را می‌گرفت و مقید شده بود که نمازش را با جماعت در مسجد گوهرشاد بخواند. در جلسات مذهبی ما هم شرکت می‌کرد. مدتی دیدیم که از این آقا خبری نیست. گفتیم لابد رفته است مسافرت. ولی رفقا گفتند اینجاست و نمی‌آید. تحقیق کردیم ببینیم که علت چیست که یک مرتبه از دین و مذهب رو برگردانده؟ به سراغش رفتیم. معلوم شد قضیه از این قرار بوده است:

پس از چند روز متوالی که به نماز جماعت می‌رفت و در صف چهارم، پنجم می‌ایستاد، یک روز یکی از مقدس مآب‌هایی که در صف اول پشت سر امام می‌ایستد، در میان جمعیت، موقع نماز، از آن صف اول بلند می‌شود می‌آید تا این آدم را پیدا می‌کند روبه‌رویش می‌نشیند و می‌پرسد: «آقا! یک سؤال از شما دارم! شما مسلمان هستید یا نه؟» این بیچاره با تعجب پاسخ می‌دهد: «این چه سؤالی است که شما می‌کنید؟ اگر مسلمان نباشم پس در صف جماعت مسجد چه کار می‌کنم؟! می‌گوید: «اگر مسلمانی پس چرا ریشت را این طور کرده‌ای؟». او هم به شدت ناراحت شده، برمی‌خیزد و می‌گوید: «این مسجد و این نماز جماعت و این دین و مذهب مال خودتان!». رفت که رفت.<sup>۱</sup>

استاد مطهری ضمن نقل و تأسف درباره‌ی این حکایت می‌گوید: «این هم یک جور به اصطلاح نهی از منکر کردن است! یعنی فراری دادن و بیزار کردن مردم از دین!».

استاد شهید درباره‌ی ضرر نهی از منکرهای ناسنجیده می‌نویسد: «به خدا قسم من می‌ترسم زبانی که ما از راه امر به معروف و نهی از منکر جاهلانه به بار آورده‌ایم یا صدمه‌هایی که از این راه به اسلام زده‌ایم، از زیان ترک امر به معروف و نهی از منکرمان بیشتر باشند».<sup>۲</sup> «بهتر است که ما جاهل‌ها امر به معروف و نهی از منکر نکنیم. دانایی،

۱- حماسه حسینی، ج ۲، ص ۱۰۱-۱۰۰ ۲- حماسه حسینی، ج ۲، ص ۱۶۲

روانشناسی و جامعه‌شناسی می‌خواهد تا انسان بفهمد که چگونه امر به معروف و نهی از منکر کند؛ منکر را تشخیص دهد، ریشه‌ی آن را به دست آورد که از کجا سرچشمه می‌گیرد. برای همین ائمه دین فرموده‌اند: **جاهل بهتر است امر به معروف و نهی از منکر نکند**، زیرا جاهل هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند می‌خواهد بهتر کند اما بدتر می‌کند. شاید شما بگویید ما جاهلیم پس امر به معروف و نهی از منکر از ما ساقط شد! اما جواب شما را داده‌اند؛ خدا عقل را برای چه آفریده است؟ برای این که بفهمی، تحقیق کنی. تو باید از آن کسانی باشی که نه تنها اوضاع زمان خودت را درک کنی بلکه آینده را نیز بفهمی و درک کنی.<sup>۱</sup>

\* \* \*

### بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- تفاوت انسان گنهکار و فاسق را با انسانی که (خواستہ یا ناخواستہ) مرتکب گناهی شده است بیان نموده، روش نهی از منکر هر یک را توضیح دهید.
- ۲- مضرات روش‌های نادرست «امر به معروف و نهی از منکر» را شرح دهید.
- ۳- آیا توهین، سرزنش، تحقیر، ضرب و شتم، و هتک آبرو، جزء روش‌های «امر به معروف و نهی از منکر» محسوب می‌شوند یا خیر؟ چرا برخی افراد از این روش‌ها استفاده می‌کنند؟
- ۴- در حکایت پیشین، اشتباه عمده‌ای که از سوی آن مقدس مآب صورت گرفته چیست؟ و تفکر صحیح را در موارد مشابه بیان نمایید.

\* \* \*

### فعالیت تحقیقی

دلایل کم‌رنگ شدن «امر به معروف و نهی از منکر» در جامعه را برشمارید و راه‌های گسترش «معروف» را در جامعه پیشنهاد دهید.

۱- حماسه‌ی حسینی، ج ۲، ص ۸۲ و ۸۳

## دفاع و جهاد

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهُ لَكُمْ، وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ،  
وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ

سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۱۶

ترجمه: جهاد نمودن در راه خدا، بر شما تکلیف شده، و برایتان ناخوشایند است. و چه بسا از چیزی خوشتان نیاید، ولی خیر شما در آن باشد، و چه بسا چیزی را که دوست دارید برایتان موجب شرّ و گرفتاری شود.

### جهاد

جهاد عبارت از تلاش و مبارزه در راه خداوند و دفاع از مسلمانان و مظلومان، و به منظور برپاداشتن حق و حقیقت، وحدت و عدالت، برطرف‌سازی تجاوز و چپاول، شکنجه و ارباب، اشغال و استعمار، و به‌طور کلی، فتنه و فساد از جهان است.

### انواع جهاد

جهاد انواعی دارد:

۱- جهاد دفاعی: عبارت است از دفاع در برابر دشمن متجاوز به مرز یا شهر مسلمانان، یا دفاع در برابر جان، ناموس و مال خود و دیگران.

۲- جهاد داخلی: عبارت است از جنگ با افراد قانون‌گریز که علیه حکومت اسلامی دست به شورش و نافرمانی زده‌اند و قیام مسلحانه نموده‌اند.

۳- جهاد ابتدایی: عبارت است از حمله به کشورهایی که تحت سلطه‌ی حکومت‌های ظالم قرار داشته، به مردم اجازه‌ی فعالیت آزادانه در امور دین یا شنیدن ندای دین را نمی‌دهند. هدف این نوع جهاد، کشورگشایی نیست بلکه هدف آن، رفع موانع تبلیغی اسلام و بهره‌مندی مردم از حق هدایت

و آشنایی با احکام دین، و برخورداری از حق آزادی و عدالت است.

## فعالیت

- ۱- برای هر یک از اقسام جهاد، یک یا چند مثال تاریخی بزنید.
- ۲- این جمله را توضیح دهید: «جهاد ابتدایی نیز گونه‌ای از جهاد دفاعی است».

به این آیات توجه کنید:

- ۱- «و بجنگید - در راه خدا - با کسانی که به جنگ با شما برخاسته‌اند، ولی از حد تجاوز نکنید، که خداوند متجاوزان را دوست ندارد».<sup>۱</sup>
- ۲- «و اگر دو گروه مؤمن، به منازعه برخاستند، بین آن دو صلح برقرار کنید. و اگر یکی از آن‌ها، بر دیگری حمله کرد، با گروه متجاوز بجنگید تا به اطاعت امر خداوند بازگردد؛ و در صورت بازگشت، در میان آن دو صلح و آشتی عادلانه برقرار سازید».<sup>۲</sup>
- ۳- «و با آن‌ها بجنگید؛ تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین، مخصوص خداوند گردد. و اگر (از روش خود) دست برداشتند، تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست».<sup>۳</sup>

## تأمل

- ۱- موارد صحیح جنگ با دشمن و موارد آتش‌بس با دشمن را با توجه به آیات قرآن بیان کنید.
- ۲- تفاوت آتش‌بس با دشمن، به سبب مصلحت شرعی و عقلی، را با سازش و ترس از دشمن، توضیح داده، معیارهایی جهت تشخیص این مصلحت ارائه دهید.



## دفاع

دفاع انواع گوناگونی دارد که در اینجا به بررسی دو نوع مهم آن می‌پردازیم:

- ۱- دفاع از کیان اسلام و حوزه آن: اگر دشمن، بر شهر یا مرز مسلمانان هجوم آورد، و خطر، جامعه اسلامی و مسلمانان را تهدید کند، بر همه واجب است بدون هیچ قید و شرطی و به هر

۳- بقره، ۱۹۳

۲- حجرات، ۹

۱- بقره، ۱۹۰

وسيله‌ای که ممکن باشد، از قبیل بدل مال و جان، از کیان و عظمت اسلام دفاع نمایند و به اذن امام معصوم یا ولی فقیه نیاز ندارد. در این دفاع هر کسی که کشته شود شهید محسوب می‌گردد. تهاجم گاهی نظامی است و گاهی فرهنگی؛ گاهی جهت تصرف سرزمین یا بخشی از آن است و گاهی جهت تسلط سیاسی - اقتصادی بر جامعه. گاهی به ظاهر مسلمانند و گاه غیر مسلمان، گاهی به کشتار و اسارت دست می‌برند و گاهی نیز به تملک منابع کشور بسنده می‌کنند. در تمام این حالات بر هر مکلف واجب است از سرزمین، خاک، وطن، فرهنگ، مال و جان خود محافظت کرده و با کمک مالی، فکری، عملی و اهداء جان خود، به دفاع برخیزد.

اگر این خطر وجود داشته باشد که کفار از نظر سیاسی و اقتصادی بر بلاد مسلمین مسلط شده و مسلمین، اسیر سیاسی یا اقتصادی دشمن شوند و موجب خواری یا ضعف اسلام و مسلمین گردد، جلوگیری و دفاع واجب است؛ چه از طریق مقابله به مثل و به کارگیری وسایل و روش‌های دشمن باشد، چه از طریق مقاومت منفی و تحریم کالای دشمن، و یا قطع ارتباط سیاسی اقتصادی با آنان.

## فعالیت

با توجه به مطالب بالا، پاسخ پرسش‌های زیر را بیابید:

۱- مقصود دشمن از حمله به کشورهای مسلمان، تأمین چه اهدافی می‌باشد؟

۲- در جهان امروز، چه توجیهاتی برای تهاجم به کشورها یا شهرها به کار گرفته

می‌شود؟

۳- کوتاه آمدن مسلمانان در برابر بیگانگان چه نتایجی به همراه دارد؟

## آشنایی با برخی دیگر از احکام و آداب دفاع و جهاد

● دفاع از اسلام و مسلمین واجب است و محتاج اذن والدین نیست، هر چند سزاوار این است که حتی المقدور رضایت آنان نیز جلب شود.

● فردی که در میدان جهاد با کفار یا مشرکین کشته می‌شود بدون غسل و کفن و با همان لباس‌های جنگ به خاک سپرده می‌شود. اما افرادی که خارج از جهاد به شهادت می‌رسند باید غسل و کفن شوند.

● تمام گناهان شهید، به جز حق الناس، به هنگام شهادت بخشیده می‌شود.

● از آداب جهاد این است که در صورت امکان، ابتدا دشمن را موعظه کنند، و در صورتی که

صادقانه پذیرفتند، با آنان قرارداد صلح امضا نمایند. مسلمانان وظیفه دارند به این قرارداد، تا زمانی که دشمن آن را نقض نکند، پایبند باشند و مال و جان آنان را محترم شمارند.

● سرنوشت افرادی که در جنگ به اسارت در می‌آیند در اختیار امام معصوم علیه السلام یا ولی فقیه است.

۲- دفاع از جان، ناموس و اموال خود: دفاع از جان و ناموس و مال خود، در برابر افراد ظالم و متجاوز واجب است و در صورت کشته شدن اجر شهید را خواهد داشت (ولی به خطر انداختن جان، به وسیله‌ی گفتار بی‌ثمر یا رفتار نسنجیده، در جایی که ضرورت یا فایده‌ای ندارد، جایز نیست حتی امر به معروف نیز محسوب نمی‌شود).

اگر فرد متجاوز، بر فرد یا حریم وی هجوم آورد و بخواهد او را (به ناحق) به قتل برساند، واجب است به هر وسیله ممکن او را دفع کند و جایز نیست تسلیم وی شده، تن به ظلم دهد. و چنانچه فرار از جنگ مهاجم از طریق دیگری غیر از جنگیدن ممکن باشد نباید جنگ کند. و اگر متجاوز به منظور نجات جان خود پا به فرار گذارد واجب است دست از او بردارد و دیگر جایز نیست به او ضربه‌ای وارد سازد، وگرنه ضامن می‌باشد.

اگر مهاجم قصد جان یا ناموس فرد را داشته باشد و دفاع کننده یقین داشته باشد که این جنگیدن سودی نداشته و در این دفاع کشته (و شهید) می‌شود، جنگیدن و دفاع کردن واجب است. اما اگر هجوم مهاجم فقط برای بردن اموال او باشد و یقین داشته باشد اگر دفاع کند کشته می‌شود، نه تنها دفاع واجب نیست، بلکه باید تسلیم شود؛ زیرا حفظ جان مهم‌تر از مال است. و اگر به تنهایی قدرت دفاع نداشته باشد توسط به دیگری و کمک گرفتن از او واجب است؛ هرچند که آن دیگری، ظالم و یا کافر باشد.

## تأمل

۱- چرا تسلیم نشدن در برابر ظلم، مورد تأکید اسلام است؟

۲- چرا یاری گرفتن از ظالم، برای دفع ظلم، ناپسند نیست؟

دفاع از دیگر بستگان (مانند فرزند، همسر) و دفاع از افراد مظلوم و بی‌گناه، نیز مانند دفاع از خود واجب است، و احکام آن یکسان می‌باشد.

در دفاع کردن، رعایت مراتب الزامی است و تا زمانی که با اقدام خفیف‌تر می‌توان خطر

را برطرف نمود نباید دست به کار شدیدتر زد؛ مثلاً اگر دشمن با اخطار و صدا، دست از کار خود برمی‌دارد، به همان اکتفا نماید و اگر ثمر ندارد با نهی از منکر یا صدای بلند و تهدید، او را دفع کند؛ اگر دفع نشود، با دست جلوگیری کند، و همین‌طور مراتب بالاتر؛ مانند استفاده از چوب، بستن دست و پا یا مجروح ساختن. و اگر دفع تجاوز فقط به وسیله‌ی کشتن میسر می‌شود جایز است به هر آلت کشنده‌ای او را به قتل برساند.<sup>۱</sup>

اما اگر بداند که با مراعات ترتیب، وقت از دست می‌رود و دزد یا ظالم، بر جان یا ناموس وی غالب می‌شود رعایت ترتیب لازم نیست.

### برای دانش‌آموزان فعال

اگر با رعایت حدود شرعی و بدون تجاوز از حد لازم، نقص مالی یا آسیب بدنی بر مهاجم وارد آید و یا به قتل برسد، خسارت وارده به عهده فرد متجاوز است، و شخص دفاع‌کننده، ضامن (= مسئول پرداخت و جبران خسارات وارده) نیست. اما اگر مراعات حد را نکند و از آن تجاوز نماید ضامن خواهد بود. همین‌طور اگر بعداً معلوم شود که قصد مهاجم، قدرت‌نمایی، ترساندن یا نیت دیگری جز قتل و تجاوز بوده است، دفاع‌کننده ضامن خسارات وارده می‌باشد. همین‌طور اگر تجاوزگر، قبل از آغاز به اقدام، اظهار پشیمانی کند و دفاع‌کننده بترسد که خدعه و فریب باشد ولی بعداً معلوم شود که راست بوده است باید خسارات وارده بر فرد متجاوز را جبران نماید. اگر در حال فرار کردن یا بازگشت باشد تعقیب وی و آسیب وارد ساختن جایز نیست و ضامن است، مگر آن‌که برگشتن او به منظور تهیه‌ی نیرو باشد که در این صورت دفع او جایز است، ولی اگر بعداً معلوم شد که خطا کرده، ضامن ضررهایی است که بر او وارد آورده است. اگر با دست خود ولی به دستور مهاجم، جراحت یا خسارت مالی بر شخص ثالث وارد کند، «وی» ضامن است نه مهاجم (آمر).

اگر دو نفر به ناحق با یکدیگر درگیر شوند، آن‌که آغازکننده بوده ضامن است و دفاع‌کننده ضامن نیست، اما اگر همزمان به یکدیگر حمله‌ور شده باشند هر یک ضامن

---

۱- در مواردی که زدن و زخمی کردن و کشتن کسی جایز باشد، تنها از نظر دستورات شرعی است اما از نظر قانونی، قاضی طبق ظاهر و موازین قضایی حکم می‌کند. بنابراین اگر کسی را به قتل برساند و شهادی بر حقانیت خود نداشته باشد قاضی مطابق مقررات، وی را محکوم به قصاص می‌کند.



جنایت وارده بر دیگری است، و اگر در بین درگیری، یکی دست از حمله بردارد و دیگری جری شده بر او حمله کند و جنایتی بر او وارد آورد تنها او ضامن است.

\* \* \*

**پیندیشید و پاسخ دهید**

۱- هدف از تشریح حکم جهاد را در اسلام بیان نمایید.

۲- تفاوت جهاد با جنگ افروزی چیست؟

**پیشنهاداتی برای تحقیق درسی**

۱- برخی معتقدند جنگیدن و دفاع، به هیچ وجه صحیح نیست، و برای پرهیز از جنگ و درگیری، باید از حق خود گذشت و به برخی از خواسته‌های دشمن تن داد. نظر شما درباره اجرای این نظریه و عواقب آن چیست؟ آیا در جهان امروز چنین روشی امکان‌پذیر است؟ نمونه‌های آن را بیان نمایید.

۲- قیام کربلا، انقلاب اسلامی ایران، هشت سال دفاع مقدس، جنگ ۳۳ روزه لبنان، دفاع ۲۲ روزه غزه، نمونه‌هایی از جهاد و دفاع اسلامی اند. یکی را از لحاظ هدف و شرایط تحلیل کنید و به اشکالات مخالفان جنگ پاسخ دهید.

## آداب معاشرت مردان و زنان

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ

مَا سَقَيْتَ لَنَا

سوره ی قصص، آیه ی ۲۵

ترجمه: سپس یکی از آن دو دختر، در حالی که با حجب و حیا گام برمی داشت، نزد او (موسی) آمد؛ گفت: پدرم تو را دعوت می کند تا مزد آب دادن (گوسفندان) ما را به تو پرداخت کند.

### ارتباطات اجتماعی

هر اجتماعی از زنان و مردان تشکیل یافته و بدیهی است که در زمینه هایی چون اقتصادی، آموزشی، پزشکی و اجتماعی، ارتباط و گفت و گو بین زن و مرد اجتناب ناپذیر می باشد. البته این روابط در هر جامعه ای دارای آدابی است. در اسلام نیز آدابی جهت حضور «عزتمند»، «عفیف» و «آراسته» زن و مرد در جامعه و احکام و دستورات ویژه ای جهت پرهیز از مفاسد احتمالی وضع گردیده است تا با اجرای آن، مرد و زن بتوانند ضمن حضور در فعالیت های اجتماعی، روابط اجتماعی سالمی داشته باشند و جامعه ای سالم را رقم زنند. بدین منظور، دو مفهوم به نام «محرم» و «نامحرم» در دین مقدس اسلام تعریف گردیده است.

### محرم و نامحرم

افراد جامعه نسبت به یکدیگر، به دو گروه «محرم» و «نامحرم» تقسیم می گردند؛ محرم کسی است که ازدواج با او ممنوع و حرام است و نسبت به دیگران، محدودیتی در معاشرت با وی وجود ندارد؛ محدودیت هایی نظیر نگاه کردن، محبت، دست دادن و گفتگو. نامحرم نیز برخلاف محرم، مجاز به

ازدواج ولی محدود در برخی ارتباطات است.

## انواع محارم :

محارم به سه گروه تقسیم می‌شوند: نسبی، سببی و رضاعی.

۱- نسبی (خویشاوندی): عبارت از بستگان نزدیک و ارحام است: پدر، مادر، پدر و مادر بزرگ، فرزند، نوه، فرزند خواهر (خواهرزاده)، فرزند برادر (برادرزاده)، دایی، عمو، خاله، عمه.<sup>۱</sup>

۲- سببی: عبارت است از افرادی که به واسطه ازدواج به انسان محرم می‌شوند: همسر، مادر و پدر همسر، داماد و عروس انسان، همسر پدر (نامادری)، همسر مادر (ناپدری). این محرمیت در تمام موارد دائمی است، به جز همسر که در صورت جدایی و طلاق، از بین می‌رود. شوهر خواهر، زن برادر، خواهر زن، و برادر شوهر نامحرم‌اند. البته ازدواج با خواهر زن، با وجود این که نامحرم است، جایز نیست.<sup>۲</sup>

۳- رضاعی: عبارت از محرمیت به واسطه «شیردادن به نوزاد» (رضاع) است؛ بدین صورت که اگر زنی طفل (شیرخوار) دیگری را با شرایطی که در کتاب‌های فقهی آمده است شیر دهد، فرزند رضاعی او محسوب شده و آن بچه بر آن زن و برخی از دیگر افراد خانواده محرم می‌شود. البته این محرمیت شامل برادر یا خواهر آن فرزند نمی‌شود.

## فعالیت

شرایط محرمیت رضاعی را از رساله توضیح المسائل استخراج و بیان کنید.

## حدود و احکام ارتباط با نامحرم

الف - تماس بدنی مرد و زن: هرگونه تماس بدنی و دست‌دادن با نامحرم حرام است. تفکیک برخی از اماکن (مانند اتوبوس یا مترو) نیز در راستای کمک به این امر می‌باشد.

۱- دختر عمو، دختر دایی، دختر خاله، دختر عمه، زن عمو، زن دایی، شوهر خاله، و شوهر عمه نامحرم هستند. همین‌طور پسر عمو، پسر دایی، پسر خاله، پسر عمه. فرزند خوانده نیز نامحرم محسوب می‌شود.

۲- حرمت ازدواج با خواهرزن، موقتی است و پس از فوت یا طلاق، می‌توان با آن خواهر ازدواج نمود. به تعبیر دیگر، هم‌زمان نمی‌توان با دو خواهر ازدواج نمود (جمع‌أختین). اما حرمت ازدواج با مادر زن دائمی است و محرمیت وی حتی پس از جدایی از همسر نیز از بین نمی‌رود.

**ب - خلوت با نامحرم :** حضور و باقی ماندن در مکانی که جز دو نامحرم هیچ کس دیگری در آن جا حضور ندارد و دیگری نیز نمی تواند وارد آن مکان شود (و یا احتمال آن ضعیف باشد) حرام است و در صورت مواجه شدن با چنین شرایطی، فرد باید فوراً آن جا را ترک کند. نماز خواندن در آن مکان نیز باطل است.

**ج - تشبیه مرد و زن به یکدیگر :** تشبیه مرد به زن و بالعکس حرام است؛ این شبیه شدن شامل : نوع لباس، نوع آرایش، ظاهر مو، ابرو، کفش و ... می شود.

### تأمل

درباره حکمت این حکم تأمل کرده و عواقب مراعات نشدن آن را بیان کنید.

**د - گفتگو :** گفتگو با نامحرم در صورت ضرورت، با رعایت حدود شرعی جایز و بیش از حد ضرورت، مکروه است. اما ارتباط صمیمانه و برقراری ارتباط دوستی با نامحرم، هر چند به قصد کسب تجربه یا همسریابی باشد جایز نیست (= حرام است).<sup>۱</sup> روش برقراری ارتباط نیز تفاوتی ندارد؛ نامه نگاری، گفتگوی اینترنتی (چت)، یا تلفن، باید در چارچوب شرع مقدس اسلام باشد. فردی که قصد جدی و آمادگی لازم را برای ازدواج دارد مجاز است با اجازه و نظارت خانواده‌ی طرفین، سؤالات خود را از طرف مقابل بپرسد، به شرطی که از حدود شرعی خارج نشود و فضای گفتگو از حالت عادی و رسمی خارج نگردد.

---

۱- معاشرت با نامحرم در حد عادی و ضروری بدون اشکال است ولی تعدی از آن جایز نیست، به ویژه اگر همراه با قصد لذت

## بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- چرا دین اسلام در مورد معاشرت محرم و نامحرم محدودیت‌هایی را ایجاد نموده است؟
- ۲- در صورت از بین رفتن این محدودیت‌ها چه اتفاقاتی در جامعه رخ خواهد داد؟
- ۳- بهترین راه انتخاب و شناخت همسر مناسب چیست؟

### پیشنهاد

- ۱- توجهات برخی جوانان درباره برقراری رابطه و گفتگو با نامحرم را بررسی کرده و با توجه به ابعاد مثبت و منفی این ارتباطات، پاسخ‌های منطقی و قابل قبولی برای آن ارائه نمایید.
- ۲- با مطالعه آیات ۲۳ الی ۲۶ سوره قصص، و با یاری از تفاسیر قرآن، حدود ارتباطات اجتماعی زن و مرد را ترسیم نمایید.

## حدود معاشرت محرم و نامحرم

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٣٠﴾  
 وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ  
 وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ  
 وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ... أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ  
 أَوْ إِخْوَانِهِنَّ  
 أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ...  
 وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ  
 وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

سوره‌ی نور، آیات ۳۰ و ۳۱

● در درس پیش، برخی حدود ارتباط با نامحرم مطرح گردید. در این درس با دو مورد مهم از این حدود، یعنی «پوشش» و «نگاه» آشنا خواهیم گشت.

### ۱- پوشش

**الف - اهمیت آراستگی ظاهر:** یکی دیگر از حدود معاشرت مرد و زن، رعایت پوشش مناسب در جامعه است. پوشیدن لباس یکی از جنبه‌های آراستن ظاهری است که ضمن حفظ انسان از گزند اشیاء و حرارت یا برودت محیط، موجب زیبایی بخشی و پوشاندن بدن می‌شود. دین اسلام

دین آراستگی و زیبایی است و به آراستگی سفارش می‌کند. «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ»<sup>۱</sup> «خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد». اولیای الهی نیز علاوه بر تهذیب نفس و کسب زیبایی درونی، به پاکیزگی و آراستگی ظاهری نیز اهمیت می‌دادند، تا حدی که آراستگی و نظافت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زبازد عام و خاص بوده است. استحباب پوشیدن لباس سفید، استعمال بوی خوش، شانه زدن مو، طهارت بدن، به ویژه هنگام عبادت و حضور در خانواده، در کنار دستورات شستشو، غسل و وضو، همه نشان از پسندیده بودن این صفت در دین اسلام دارد.<sup>۲</sup> این آراستگی نیز، حدودی دارد که اگر از آن تجاوز شود نامطلوب و گاهی مضر خواهد بود.

**ب- زیبایی و محافظت:** خداوند زنان را بیش از مردان از نعمت زیبایی و ظرافت بهره‌مند ساخته است؛ وجود این نعمت، موجب توجه مرد به همسر خویش و استحکام نظام خانواده می‌شود. در مقابل، زن می‌بایست **محافظت** بیشتری از خود به عمل آورد تا این زیبایی، موجب تزلزل بنیان سایر خانواده‌ها و جامعه نگردد. از این رو، خداوند دو صفت حیا و پاکدامنی را به انسان عطا فرموده است. عفاف و پاکدامنی، یک حالت روحی و فضیلت اخلاقی است که سبب **حفظ خود** از سوء استفاده دیگران بوده و خصلت هر انسان با فضیلتی، اعم از مرد و زن می‌باشد. از آن‌جا که زنان دارای ظرافت و زیبایی بیشتری هستند خداوند آنان را بیش از مردان به این دو صفت آراسته است.

هر انسان عقیفی از نمایان شدن اندام خود و جلب توجه دیگران به قیمت در معرض نگاه گذاشتن بدن خود، حیا می‌کند و ارزش انسانی خود را بالاتر از خودنمایی و جلب نظر دیگران می‌بیند. لذا گوهر زیبایی خویش را از نگاه هوسرانان و ناهلان مخفی نگاه داشته و اجازه سوء استفاده را به آنان نمی‌دهد. خودنمایی از دید انسان عقیف، موجب تحقیر و ذلت فردی، و نادیده گرفته شدن ارزش‌های معنوی و حقیقی اوست.

## فعالیت

قرآن کریم مظاهر عفاف را برای مردان و زنان معرفی نموده است. آیا می‌توانید آن‌ها را نام ببرید؟

۱- خصال صدوق، ج ۲، ص ۱۵۷

۲- دو رکعت نماز با بوی خوش، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است (ثواب الاعمال صدوق، ص ۳۶۲)، خداوند

از این‌که کسی خود را ژولیده نشان دهد بدش می‌آید (امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۷۵). آراستگی از صفات مؤمنان است (غررالحکم، ج ۱، ص ۳۰۷).

## برای دانش آموزان فعال

### جلب توجه به روش صحیح

نیازهای انسان عبارتند از: آب، غذا، مسکن، امنیت و آرامش، ارتباط و گفتگو، مقبولیت در جامعه، محبت، پرستش، ... برخی از این نیازها در دوره‌ی جوانی و نوجوانی، بیش‌تر خود را نشان می‌دهد؛ مانند نیاز به توجه، تحسین، مقبولیت و پذیرش از سوی اجتماع. این نیازها را خداوند وسیله‌ای برای کوشش و تلاش انسان قرار داده تا در جهت شکوفایی استعدادهای خدادادی خویش و عرضه‌ی آن به جامعه به کار بسته و موجب پیشرفت خود و جامعه گردد.

روش صحیح کسب جایگاه و مقبولیت اجتماعی عبارت است از: تلاش، خلاقیت، پشتکار، سودرسانی، مفید واقع شدن، و جلب اعتماد دیگران. با این حال، برخی سعی در جلب توجه و کسب مقبولیت‌های سطحی و گذرا با استفاده از روش‌های نادرست دارند؛ پوشیدن لباس‌های نامناسب و غیرمعمول، آرایش غلیظ چهره، مدل‌های عجیب مو، طرز خاص صحبت کردن، سیگار کشیدن، و مبادرت به رفتارهای پرخطر، برخی از روش‌های نادرست در پاسخ به نیازهای روحی - روانی خود است.

### عزت نفس؛ ضامن سلامتی نفسانی

کسی که دارای «عزت نفس» است حقارت و کمبودی در خود احساس نمی‌کند تا نیازمند خودنمایی یا جلب توجه دیگران باشد. خودنمایی نوعی حقارت و اعلام نیاز عاطفی است. انسان عزتمند خود را والاتر از آن می‌بیند که با تقلید کورکورانه از اطرافیان، گرفتار مد زدگی و رفتارهای غیر عقلانی گردد. چنین فردی از راه معقول و صحیح وارد شده و در صورت میسر نبودن، تن به حقارت، زبونی و خدشه‌دار شدن عزتش نمی‌دهد، و دشواری و سختی عزتمندان را بر آسایش ذلت‌بار ترجیح می‌دهد.

### فواید یک پوشش مناسب

رعایت پوشش مناسب (از سوی مرد و زن)، علاوه بر نشانگر بودن عزت نفس و پاکی فرد، اقدامی جهت حفظ خود از گزند بیگانگان و سوءاستفاده‌گران، افزایش آرامش روانی خود، حضور همراه امنیت در فعالیت‌های اجتماعی بدون زیان و فساد، حفظ حریم خانواده، بالا بردن سلامت اخلاقی جامعه، هدایت زیبایی‌ها به درون خانواده، سوق به معنویت و پاکی، و توجه به جنبه‌ی انسانی به جای جنبه جنسیتی می‌باشد.



پوشش مناسب زن علاوه بر آن که موجب عفت بیشتر مرد می‌شود، سبب می‌گردد که در جامعه به عنوان یک زن عفیف و پاک شناخته شود، و افراد بی‌بند و بار و هوسران، اجازه‌ی هیچ‌گونه تعرض یا سوءاستفاده را به خود ندهند.

## فعالیت

با مطالعه مطالب بالا و مراجعه به تفسیر آیه‌ی ۵۹ سوره‌ی احزاب، مصونیت بخشی حجاب و نقش آن در امنیت اجتماعی را تبیین نمایید.

**ج - حجاب در سایر ادیان و دیگر ملت‌ها:** گرایش به پوشش و عفاف یک گرایش فطری در میان زنان و مردان بوده، و میزان و شکل آن، رابطه‌ی مستقیمی با سطح اعتقاد و پابندی به اصول و ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی آن جامعه داشته است. به طور کلی، در تمام ملت‌ها و جوامع، پوشش زنان دارای اهمیت خاص و یک امر پسندیده محسوب گردیده، و تفاوت‌ها مربوط به چگونگی و حدود آن بوده است. ادیان الهی از دیرباز بر اهمیت رعایت آداب معاشرت، از جمله پوشش، تأکید ورزیده و دینداران به آن پایبند بوده‌اند. زنان یهودی و مسیحی هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را می‌پوشاندند و راهبه‌های مسیحی سعی در حفظ کامل حجاب داشته‌اند؛ دارا بودن حجاب کامل، نشانه‌ی عفت و پاکدامنی بیشتر و پابندی کامل‌تر به احکام دین و تقرب به خداوند تلقی می‌شده است.

زنان ایرانی در زمان قبل از پیدایش اسلام، عموماً پیرو آیین زرتشت بودند و با پوشش کامل در مکان‌های عمومی رفت و آمد می‌کردند. مردان ایرانی نیز همان‌گونه که در نقش‌های باستانی تخت جمشید نمایان است دارای محاسن و لباس‌های بلند، و کلاهی جهت پوشش موی سر بوده‌اند. دین اسلام نیز مانند ادیان پیشین، بر عفاف و رعایت حدود آن تأکید کرده و این حدود را کامل‌تر و دقیق‌تر تبیین نموده است. در آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی نور می‌خوانیم:

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ

ترجمه: و زینت‌های خود را آشکار نسازند، مگر آن (زینتی) که ظاهر و آشکار است (مانند زیبایی طبیعی چهره و گردی صورت)؛ و روسری‌های خود را بر روی سینه و گریبان خویش بیاویزند.

رعایت پوشش نه تنها از دستورات مؤکد اسلام است، بلکه رعایت آن از ضروریات دین و مورد اجماع شیعه و سنی می‌باشد. حجاب و عفت حضرت زهرا سلام الله علیها و زینب کبری سلام الله علیها همواره الگوی زنان و دختران مسلمان بوده است.

**د- حدود حجاب برای مرد و زن:** اسلام ضمن پذیرش تنوع و گوناگونی پوشش در مناطق مختلف و افراد عصرهای گوناگون، بر حفظ وقار و حرمت فرد در جامعه تأکید کرده و هماهنگی با ارزش‌های اخلاقی را لازم می‌داند. بنابراین پوشیدن لباسی که فرد را نزد مردم انگشت‌نما کند یا وسیله‌ی جلب توجه نامحرم قرار گیرد حرام است. همچنین استفاده از زینت و زیورآلات نباید به گونه‌ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب نماید. زنان موظفند پوشش خود را به گونه‌ای تنظیم نمایند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آن‌ها را هم بیوشاند، و به جز صورت و کفین (قسمت کف دو دست از مچ دست تا سرانگشتان)، می‌بایست تمام بدن خود را از نامحرم مخفی نگاه دارند. البته وجه و کفین با دو شرط می‌تواند باز و بدون پوشش باشد:

۱- نداشتن زینت

۲- عدم ترتب مفسده

حجاب فقط پوشاندن ظاهر اندام‌ها نیست، بلکه پوشاندن حجم اندام‌ها و نیز پرهیز از حرکات تحریک‌کننده را نیز شامل می‌شود. بنابراین پوشیدن لباس‌های چسبان و رنگ‌های تحریک‌کننده جایز نمی‌باشد. برخی لباس‌های محلی نیز خالی از اشکال نبوده و باید حدود شرعی در انتخاب رنگ و مدل آن مراعات شود. بهترین نوع پوشش برای زنان، «چادر» است که انتخاب زنان محجبه و عقیف مسلمان در ایران و سایر کشورها نیز می‌باشد.

\* \* \*

## ۲- نگاه

از دیگر آداب معاشرت محرم و نامحرم، رعایت حدود نگاه است. نگاه به طبیعت و زیبایی‌های آن، به ویژه اگر همراه اندیشه و تأمل در نظم خلقت باشد، از موارد توصیه شده در دین اسلام است. در عرصه‌ی اجتماع، نگاه کردن دارای حدودی است که رعایت آن موجب حفظ حقوق و حریم شخصی دیگران می‌گردد.

با تأمل در آیه ۳۱ نور نکات زیر به دست می‌آید:

۱- وظیفه‌ی مردان این است که با تسلط بر خود، از نگاه به زنان نامحرم خودداری نمایند.

- ۲- خودداری از نگاه به زن نامحرم موجب مصون ماندن از آلودگی‌ها و لغزش می‌شود.
- ۳- زنان نیز همچون مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم پرهیز کنند و دامان خود را از نگاه حفظ نمایند.

## فعالیت

نکات ذکر شده را در آیه ابتدای درس بیابید و نشان دهید.

### حدود نگاه :

- ۱- نگاه نباید به منظور لذت جسمی باشد : به جز زن و شوهر، نگاه کردن هر فرد به افراد دیگر به قصد لذت جویی، حرام است؛ خواه آن انسان محرم باشد یا نامحرم، مرد باشد یا زن، کودک باشد یا بالغ، پیر باشد یا جوان، نگاه به صورت آن شخص باشد یا عضوی دیگر.
- ۲- نگاه به نامحرم محدود به صورت باشد : نگاه به اعضای بدن زن نامحرم (به جز میچ دست و گردی صورت) حتی بدون قصد تلذذ، حرام است. اما نگاه کردن به صورت زن نامحرم در صورت نداشتن زینت، بدون ریبه (= خوف وقوع در حرام) اشکال ندارد.<sup>۱</sup> نگاه زن به بدن مرد نامحرم جایز نیست، ولی نگاه به دستان، سر و گردن مرد نامحرم (که به طور متعارف پوشانده نمی‌شود)، اگر بدون قصد لذت باشد جایز است.
- ۳- نگاه باید منحصر در محدوده عمومی باشد : نگاه به اموال و حریم خصوصی دیگران (مانند نگاه به داخل منزل، اسناد، احوال انسان، ...) تجسس محسوب شده و حرام است.
- ۴- نگاه مرد به مرد، یا زن به زن : در صورتی که بدون قصد لذت باشد جایز است.
- ۵- نگاه به محرم : نگاه به مو و بدن محارم بدون قصد لذت جایز است، اما شایسته این است که اعضای بدن در حد معمول پوشانده شود، به ویژه در مقابل جوان و نوجوان.

### چند مسأله

- ۱- همان طور که نظر کردن مردان به نامحرم مجاز نمی‌باشد، نگاه کردن زنان به بدن مرد نامحرم نیز حرام است.
- ۲- بر مردان واجب نیست خود را از زنان نامحرم بیپوشانند، بلکه پسندیده است که نسبت به

۱- البته نگاه به صورت نامحرم در غیر موارد ضروری مکروه است و از آن نهی شده است.

پوشش مناسب و مراعات شئون اجتماعی بی‌اعتنا نباشند. البته اگر مرد متوجه شود که زن نامحرم به وی نظر حرام می‌اندازد نزدیک‌تر به احتیاط آن است که خود را از وی ببوشاند.

۳- در صورتی که معالجه به وسیله پزشکی مُمائل (= هم‌نوع) میسر باشد معاینه توسط پزشک غیر مُمائل جایز نیست؛ و در صورت اضطرار به نظر و لمس اعضای بدن نامحرم، به شرطی جایز است که لمس یا نظر، ضروری بوده و از طریق غیر مستقیم (مانند به کارگیری ابزار) ممکن نباشد. در صورتی که معالجه فقط از طریق نگاه بدون نیاز به لمس، و یا با لمس بدون نگاه میسر است باید به همان اکتفا شود. در هر صورت، پزشک باید فقط به مقدار ضرورت اکتفا کند و از آن تعدی جایز نیست؛ (مثلاً در شکسته‌بندی اگر به کمک دستکش انجام‌پذیر است به همان اکتفا کند).



### بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- مزیت‌های پوشش مناسب نسبت به پوشش نامناسب چیست؟
- ۲- عوامل گرایش به بدحجابی چه می‌باشد؟
- ۳- مدگرایی چه عیب‌هایی می‌تواند داشته باشد؟
- ۴- ارتباط رعایت حجاب را با افزایش امنیت و رضایت از زندگی شرح دهید.
- ۵- ارتباط بدحجابی را با افزایش طلاق و جرم و جنایت توضیح دهید.

### پیشنهاداتی برای تحقیق درس

- ۱- درباره عواقب نگاه آلوده و تأثیر آن در ارتکاب گناه مقاله‌ای تهیه کنید و در کلاس مطرح نمایید.
- ۲- بی‌توجهی برخی جوامع مسیحی به امر پوشش بدن و موی سر از چه زمانی آغاز گردیده و چه عللی داشت؟
- ۳- درباره کشف حجاب در دوران پهلوی و برنامه استعمار در ترویج بی‌حجابی مقاله‌ای تهیه و در مدرسه ارائه نمایید.

## تفریحات

امام کاظم علیه السلام :  
«تلاش کنید که اوقات تان شامل چهار بخش باشد :  
زمانی برای مناجات با خداوند،  
و زمانی برای کسب روزی و امرار معاش،  
زمانی برای معاشرت با برادران دینی و افراد مورد اعتماد  
که عیب‌هایتان را گوشزد و باطن‌تان را خالص می‌کنند،  
و زمانی نیز برای بهره‌مندی از لذات حلال؛  
و به واسطه‌ی این زمان است که توانایی استفاده از سه زمان دیگر را به دست  
می‌آورید.»<sup>۱</sup>

## استراحت و تفریح

دین اسلام علاوه بر توجه به معنویت، مشوق سلامت جسمانی و شادی و رضایت روحی است. یک دین کامل زمانی تحقق می‌یابد که نه تنها برای سعادت اخروی بلکه برای زندگی دنیوی انسان نیز دارای برنامه و دستور باشد. در نظام معرفتی اسلام، دنیا متاعی برای ساختن آخرت است و برای بهره‌مندی صحیح از آن باید برنامه‌ریزی نمود.

همان‌گونه که جسم انسان از کار و تلاش خسته می‌شود و به استراحت نیاز دارد، روح آدمی نیز نیازمند تجدید قوا و محتاج نشاط است. «اوقات فراغت» زمان‌هایی است که انسان جهت استراحت

---

۱- «اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ: سَاعَةٌ لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةٌ لِأَمْرِ الْمَعَانِي وَ سَاعَةٌ لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَ النَّقَاتِ الَّذِينَ يُعَرِّفُونَكُمْ عُيُوبَكُمْ وَ يُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةٌ تَحْلُونَ فِيهَا لِلذَّائِمِ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَ يَهْدِيهِ السَّاعَةُ تَقْدِيرُونَ عَلَى ثَلَاثَةِ سَاعَاتٍ». كتاب تحف العقول، ص ۴۰۹.

تن و بازپروری روح، دست از کار روزانه می‌شوید و با پرداختن به امور نشاط‌آور و مفید، نیرویی دوباره جهت ادامه‌ی تلاش و کار به دست می‌آورد.

ارتباط روح با جسم و تأثیر آن دو در یکدیگر، لزوم توجه به هر دو بُعد را نمایان می‌سازد؛ و نیک گفته‌اند که: «عقل سالم در بدن سالم است». توجه اسلام به سلامتی و بهداشت، و دستورات گوناگون آن؛ شامل: طهارت و نجاست، مستحبات و مکروهات، و حرمت استفاده از برخی مواد مضر برای سلامتی بدن، همگی نشان از اهمیت توجه به سلامتی جسم در کنار توجه به خودسازی و سلامتی روح دارد.

استفاده‌ی صحیح از اوقات عمر، از دستورات مؤکد اسلام برای زندگی سالم و پربرکت است. در این میان، ساعاتی را باید به کار و کسب روزی حلال یا تحصیل علم و دانش اختصاص داد، ساعاتی را برای عبادت و ارتباط با پروردگار، ساعتی نیز برای خواب و استراحت جسم و روح، و ساعاتی نیز جهت تفریحات و لذت‌های مشروع و حلال.

ساعات تفریح و استراحت، در حقیقت زمینه‌ساز آمادگی برای دیگر ساعات است و بدون آن نمی‌توان بهره‌وری مناسبی را از خود انتظار داشت. انسانی که در زندگی هدفمند است و خواهان تلف نکردن سرمایه‌ی بزرگ عمر است، با برنامه‌ریزی و تفکر صحیح، اوقات فراغت خود را مملو از شادی و فایده کرده و خستگی‌ها را نیز از جسم و روح می‌زداید.

## انواع تفریحات

تفریحات در اسلام بر چهار قسم‌اند: مباح، مستحب، حرام، مکروه. تفریحات مباح شامل گستره‌ای از کارهاست که فرد در انجام یا عدم انجام آن مختار است، و بیشترین حجم تفریحات و سرگرمی‌ها را در برمی‌گیرد؛ مانند قدم‌زدن در طبیعت و فضای سبز. تفریحات مستحب آن دسته از کارهایی است که علاوه بر تفریح، فایده‌ای (مادی یا معنوی) برای خود یا جامعه در بر دارد؛ مانند سپری نمودن اوقات با همسر و فرزندان، آموزش فنون نظامی جهت آمادگی دفاع در برابر دشمنان اسلام، شنا و سایر ورزش‌ها، گپ‌زدن با دوستان معنوی. تفریحات حرام شامل اعمالی است که تأثیرات منفی آن بر جسم یا روح، زیاد بوده و سرگرمی مناسبی محسوب نمی‌شود؛ مانند بازی‌های قمار، گوش دادن به موسیقی حرام، و مردم‌آزاری. تفریحات مکروه نیز آن دسته از مشغولیت‌ها را شامل می‌شود که دارای ضرری<sup>۱</sup> برای خود یا

۱- اگر مقدار ضرر اندک باشد مکروه است و اگر میزان آن از حد بگذرد داخل در نوع حرام می‌شود.

دیگران بوده یا موجب از دست رفتن امری مستحب می‌شود، و یا فایده‌ی چندانی برای انسان ندارد و استفاده‌ی مناسب از عمر به شمار نمی‌آید؛ مانند مشغول بازی بودن پس از شنیدن اذان، یا برخی بازی‌های غیر فکری رایانه‌ای.

### پیشنهاد

یکی از بازی‌های رایانه‌ای یا تفریحات متداول امروزه را انتخاب نموده و فواید و مضرات آن را بنویسید. به نظر شما، این بازی‌ها در کدام دسته جای می‌گیرند؟



**الف – ورزش:** ورزش و تحرک جسمانی، علاوه بر تقویت و سالم‌سازی قوای جسمی، موجب نشاط و سلامت روحی می‌شود. در دین اسلام نیز ضمن توصیه به کار و فعالیت، به امر ورزش نیز توجه خاصی شده است که در این میان، ورزش شنا از جایگاهی خاص برخوردار بوده و «بهترین سرگرمی مؤمن» معرفی شده است.

### پیشنهاد

درباره‌ی فواید ورزش شنا و تأثیرات مثبت آن بر روح و جسم، تحقیق کرده و آن را در کلاس ارائه دهید.



**ب – قمار و شرط‌بندی:** قمار یکی از تفریحات ناسالم و حرام است. رایج‌ترین تعریف قمار عبارت از بازی با وسایل مخصوص (آلات قمار) جهت برد و تصاحب پول از دیگری است. استفاده و بازی با این وسایل حرام است، حتی اگر پای برد و باخت در میان نباشد و پولی رد و بدل نشود.<sup>۱</sup>

---

۱- بازی شطرنج که گفته می‌شود امروزه از آلت قمار بودن خارج شده و جنبه‌ی بازی فکری پیدا نموده است، بنا به فتوای برخی از مراجع (مانند حضرت امام رحمت‌الله علیه) بلا اشکال و بنا بر فتوای اکثر علما، کماکان حکم قمار را داشته و حرام است. اما بازی با دیگر ابزار قمار که هنوز مصداق قمار دارند (مانند پاسور)، به فتوای تمام فقها حرام است، حتی اگر فقط به قصد سرگرمی و بازی انجام شود.

جدا از بازی قمار، شرط‌بندی (به معنی عرفی آن) نیز حرام است و پول عاید از آن نامشروع بوده و تصرف در آن جایز نیست (حتی اگر با رضایت طرفین باشد)؛<sup>۱</sup> مانند این که شرط بگذارند هر که شرط را ببرد چیزی به دیگری بدهد.

نشستن در مجلسی که در آن قمار انجام می‌شود نیز ممنوع و حرام است؛ این کار علاوه بر تأیید و تشویق آنان به ادامه و تکرار گناه، تأثیرات روحی - معنوی نامطلوبی بر اشخاص حاضر در مجلس می‌گذارد. وظیفه‌ی شخصی در این گونه موارد، ابتدا موعظه و نهی از منکر، و در صورت تأثیر نداشتن، ترک مکان گناه است.

## کلام آسمانی

ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛

شراب و قمار و بت‌ها و بخت‌آزمایی، پلیدهایی‌اند که کار شیطان است؛ از آن پرهیز کنید تا رستگار شوید. شیطان از طریق شراب و قمار می‌خواهد میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز بازدارد.  
آیا اکنون دست برمی‌دارید؟

سوره‌ی مائده، آیات ۹۰ و ۹۱

## فعالیت

با توجه به مضمون آیه، حکمت تحریم قمار را بیان نموده و عواقب آن را توضیح دهید.

\* \* \*

**ج - موسیقی:** لذت‌بردن از آواز خوش، جزو خصوصیات ذاتی انسان است. موسیقی عبارت از نوای خوشی است که از حنجره انسان یا ابزار خاص تولید شده و گونه‌های مختلفی دارد. در دین اسلام نیز موسیقی به دو دسته حلال و حرام تقسیم می‌گردد؛ معیارهای تشخیص موسیقی حرام عبارتند از:

---

۱- جوایزی که در مسابقات اهدا می‌گردد، فقط در صورتی که از شرکت‌کنندگان بابت آن پولی دریافت نشده باشد اشکالی ندارد؛ در غیر این صورت اشکال دارد و جایز نیست.



- ۱- هرگونه آوازی که ریتم یا محتوای آن مخصوص مجالس گناه باشد.
  - ۲- هرگونه ساز موسیقی که مخصوص مجالس لهو و لعب باشد.
  - ۳- هرگونه موسیقی که محتوای باطل، کفرآمیز یا تحریک کننده داشته باشد.
  - ۴- آواز نامحرم که موجب مفسده گردد.
- قرائت قرآن با صدای خوش و حزین، و همچنین مدح اهل بیت علیهم السلام و صوت دلنشین اذان، مستحب است و مورد سفارش دین اسلام قرار گرفته است.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ :

لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ وَ حَلِيَّةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ

برای هر چیز، زینتی وجود دارد و زیبایی بخش قرآن، صوت زیبا است.

اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۵

### بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- «اوقات فراغت» خود را چگونه صرف می‌کنید؟ چه مقدار از آن مفید است؟
- ۲- روش‌های «شادزیستن» را برشمارید. مهم‌ترین عامل احساس شادمانی چیست؟
- ۳- برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت جوانان برعهده‌ی چه کسانی است؟ نقش جوانان در این میان چه میزان می‌باشد؟
- ۴- تعدادی از تفریحات کم‌هزینه و در دسترس را نام ببرید.
- ۵- برخی ضررهای گوش کردن به موسیقی را نام ببرید.
- ۶- تفاوت بدبختی را با احساس بدبخت بودن بیان کنید؛ چگونه می‌توان احساس بدبختی را به خوشبختی تبدیل نمود؟

## زکات

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید :  
«إِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بِرِزْقِهَا مِنَ الزَّرْعِ وَ الثَّمَرِ وَ الْمَعَادِنِ كُلِّهَا»  
کتاب کافی، ج ۲، ص ۳۷۴  
ترجمه : هنگامی که مردم از پرداخت زکات خودداری کنند، زمین نیز برکت خویش را، که شامل محصولات زراعی، میوه‌های باغستان‌ها و مواد معدنی است، دریغ می‌کند.

### معنی زکات

زکات به معنی رشد و نمو است. همان‌طور که درخت با هرس کردن شاخه‌های زائد، دارای رشد و شکوفایی بهتر و محصول فراوان‌تر می‌گردد، پرداخت زکات و صدقه، که جداسازی بخشی از درآمد و رساندن آن به نیازمندان است، موجب فزونی خیر و برکات مال و دیگر آثار معنوی می‌گردد. اهمیت پرداخت زکات آن قدر زیاد است که بدون پرداخت آن، نماز انسان نیز مقبول حق واقع نمی‌شود.<sup>۱</sup>  
علاوه بر زکات اصطلاحی، که فقط شامل برخی اموال می‌شود، هر نعمتی به طور کلی زکاتی دارد که باید آن را پرداخت، تا هم از فواید آن بهره‌مند شد و هم از ضرر در امان ماند؛ دارایی، سلامتی جسمانی، قدرت و توانایی، جمال و زیبایی، علم و دانایی و ...<sup>۲</sup>

۱- مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ لَمْ يُؤْتِ الزَّكَاةَ لَمْ يُقَمِ الصَّلَاةَ. (امام باقر علیه السلام، کافی، ج ۳، ص ۵۰۶).

۲- زکاة القدرة الإنصاف، و زکاة الجمال العفاف، و زکاة اليسار بزّ الجبران و صلة الأرحام، و زکاة الصحة السعی فی طاعة الله، و

زکاة الشجاعة الجهاد فی سبیل الله. (غزال حکم).

## فواید پرداخت زکات

### حکمت آسمانی

فقیری گرسنه نماند مگر به خاطر کوتاهی مردم در ادای زکات و مالی در خشکی با دریا از بین نرفت مگر به سبب پرداخت نکردن زکات.  
امام صادق(ع)، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷

زکات و سایر انفاق‌ها، علاوه بر آثار مادی آن، برای خود و دیگران، دارای اثرات معنوی نیز می‌باشند. یکی از آن اثرات عبارت است از پاک نمودن روح از آلودگی‌ها و تکامل معنوی؛ از این رو واژه‌ی «تزکیه»، که هم خانواده‌ی زکات است، به معنی طهارت و پاک نمودن نیز به کار می‌رود.

حُذِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةٌ تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلَّ عَلَیْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ<sup>۱</sup>

ای پیامبر! از اموال مردم زکات بگیر، تا به وسیله‌ی آن، پاک و متکامل گردند، و برایشان دعا کن، زیرا آرامش بخش آنان است، و خداوند شنوایی داناست.

خداوند متعال اثری را که مردم در «ربا» جستجو می‌کنند از آن سلب نموده و در عوض، به «زکات» و دیگر انواع انفاق، برکت و فزونی اعطا نموده است: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ».<sup>۲</sup> حال آن‌که عموم مردم، پرداخت قسمتی از مال خود به نیازمندان را از بین رفتن پس‌انداز و کم شدن سرمایه می‌دانند: «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا».<sup>۳</sup>  
خداوند حکیم در آیات قرآن، مؤمنین را تشویق به انفاق در راه خدا می‌کند، و برای بیان برکت و زیاد شدن مالی که انفاق می‌کنند مثالی زده است؛ می‌فرماید:

۱- سوره‌ی توبه، آیه ۱۰۳

۲- خداوند خیر و برکت را از ربا می‌گیرد و آن را به نابودی سوق می‌دهد و صدقات را رشد و فزونی می‌بخشد. (سوره‌ی بقره، آیه

۳- و گروهی از اعراب آن‌چه را انفاق می‌کنند زیان تلقی می‌کنند. سوره‌ی توبه، آیه ۹۸

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه پرویاند، که در هر خوشه، یکصد دانه باشد، و خداوند آن را برای هر که بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می‌کند، و خدا (از نظر قدرت و رحمت) وسیع، و (به همه چیز) داناست.<sup>۱</sup>

یعنی یک درهم صدقه در راه خدا، هفتصد برابر یا بیشتر می‌شود؛ البته این برکت مخصوص آن انفاق‌هایی است که در آن «ریا» یا «آزار و اذیتی» نباشد.

## برای دانش آموزان فعال

**مفهوم برکت:** برکت در اصل به معنی ثابت ماندن و ماندگاری است و به هر نعمتی که پایدار و بادوام باشد، یا هر موجودی که دارای عمر یا آثار مستمر و طولانی می‌باشد، «مبارک» یا «پربرکت» گفته می‌شود. در مقابل، موجوداتی بی‌برکت، زود فانی و بی‌اثر می‌شوند. واژه‌ی «خیر» نیز معمولاً همراه «برکت» استعمال می‌شود زیرا هر جا که برکت نباشد خیر و فایده‌ای نیز وجود ندارد یا ناچیز است. یک سرمایه‌ی پربرکت، سرمایه‌ای است که به زودی زوال نپذیرد و یک موجود مبارک نیز موجودی است که آثار آن مدتی طولانی برقرار بماند و سرچشمه‌ی انواع خیرات، نیکی‌ها و موفقیت‌ها باشد.

**کیفیت ظاهری برکت:** از آنجایی که خیرات الهی از مقام ربوبی پروردگار به طور نامحسوس صادر می‌شود، و مقدار و عدد آن هم قابل شمردن نیست، لذا به هر چیزی که دارای زیاده‌ی غیر محسوسی باشد، مبارک و دارای برکت می‌گویند. روایتی هم که می‌گوید: «هیچ مالی با صدقه‌دادن کم نمی‌شود»، مقصود همین نقصان غیر محسوس است، نه کاهش محسوس و ظاهری.

**انواع برکت:** برکت بر دو نوع است: مادی و معنوی. از آنجا که غرض از دین، سعادت معنوی و یا سعادت مادی منتهی به معنوی است، مقصود از برکت در تعبیر دین نیز عبارت از خیر معنوی، و یا مادی منجر به معنوی می‌باشد.

«برکات معنوی» شامل اموری نظیر: دین، قرب به خدا و سایر خیرات گوناگون معنوی؛ و «برکت مادی» شامل: مال، فرزند و سایر خیرات مادی که زمینه‌ساز امور

معنوی می‌باشد.

«برکت در مال» به معنای پرفایده بودن، ضایع نشدن و به سرقت نرفتن آن است، «برکت در نسل» به معنای فراوانی آعقاب یا بقای نام و دودمان است، «برکت در غذا» به معنای قابلیت سیر کردن تعداد بیشتری از مردم است، و «برکت در وقت» به معنای قابلیت انجام کار بیشتر از حد معمول در مقدار وقت محدود می‌باشد.

**موجودات مبارک :** در قرآن کریم موجودات مختلفی «مبارک» معرفی شده‌اند؛ ذات مقدس و ازلی خداوند، حضرت نوح و نسل وی، حضرت عیسی و یحیی، اهل بیت علیهم‌السلام، کتاب قرآن، ماه مبارک رمضان، و باران. در میان مکان‌ها نیز مسجد اقصی، کوه طور و خانه‌ی کعبه، «مبارک» نامیده شده‌اند.

\* \* \*

## موارد تعلق زکات مالی

زکات بر ۹ چیز واجب است :

الف - غلات و محصولات کشاورزی : ۱- گندم ۲- جو ۳- خرما ۴- انگور (کشمش،

مویز)

ب - دام‌ها : ۵- شتر ۶- گاو ۷- گوسفند

ج - سکه‌ها (نَقَدَیْن) : ۸- طلا ۹- نقره

## حد نصاب در زکات

زکات امول مذکور در صورتی واجب است که به حد معین یا تعداد خاصی برسد، که به آن «حد نصاب» می‌گویند. هر یک از این اموال نه‌گانه دارای حد نصاب‌های خاص خود می‌باشد.

## برای دانش‌آموزان فعال

به طور نمونه، اولین حد نصاب گوسفند ۴۰ رأس است؛ یعنی اگر دام‌دار کمتر از چهل گوسفند داشته باشد در آن سال زکات بر او واجب نیست. در صورت داشتن ۴۰ الی ۱۲۰ گوسفند، یک گوسفند باید به عنوان زکات پرداخت شود. حد نصاب دوم گوسفند، ۱۲۱ است و در ازای داشتن آن باید دو گوسفند داده شود. حد نصاب سوم، ۲۰۱ است، و به همین ترتیب.

## نمونه‌هایی از حد نصاب‌ها :

نوع	نصاب اول	میزان زکات	نصاب دوم	میزان زکات	نصاب سوم	میزان زکات	نصاب چهارم	میزان زکات
گوسفند	۴۰ رأس	یک گوسفند	۱۲۱ رأس	دو گوسفند	۲۰۱ رأس	سه گوسفند	۳۰۱ رأس	۴ گوسفند
شتر	۵ نفر	یک گوسفند	۱۰ نفر	دو گوسفند	۲۵ نفر	پنج گوسفند	۲۶ نفر	یک شتر دو ساله
گاو	۳۰ رأس	یک گوساله‌ی دو ساله	۴۰ رأس	یک گوساله‌ی سه ساله	۶۰ رأس	دو گوساله‌ی دو ساله	...	...
گندم، جو، خرما، کنمش	۸۵۰ کیلوگرم	$\frac{1}{10}$ در صورت آبیاری به صورت دیمی یا قنات، $\frac{1}{20}$ در صورت آبیاری با دست یا چاه.						
نقدین: سکه‌ی طلا	۱۵ مثقال	یک چهارم						
نقدین: سکه‌ی نقره	۱۰۵ مثقال	یک چهارم						

## شرایط مخصوص در وجوب زکات

### ● شرایط وجوب «زکات دام» عبارتند از :

- ۱- خریدن در تمام ایام سال : اگر مقداری از سال به او علوفه داده شود زکات ندارد.
- ۲- کار نکردن حیوان : در صورتی که در شخم‌زنی، باربری و یا مسافرکشی به کار گرفته شود مشمول زکات نمی‌شود.

۳- گذشت یک سال : زکات در صورتی واجب می‌شود که شخص، حداقل یازده ماه تمام، مالک مقدار نصاب تعیین شده باشد.

● شرایط مخصوص «زکات غلات» : زمان وجوب پرداخت زکات گندم و جو، هنگام خرمن و جداکردن کاه؛ و زمان خرما و انگور، بعد از چیدن است. ملاک اندازه‌گیری وزن غلات، وزن خشک‌شده‌ی آن‌هاست؛ مانند کنمش و مویز.

● شرایط مخصوص «زکات طلا و نقره» : زکات تنها به طلا و نقره‌ای تعلق می‌گیرد که به صورت سکه‌ی رایج در معاملات باشد (مانند درهم و دینار). بنابراین به زیورآلات زنان زکات تعلق نمی‌گیرد. همچنین سکه‌ی بهار آزادی نیز مشمول پرداخت زکات نمی‌باشد.

\*\*\*

## مصرف زکات

زکات در هشت مورد مصرف می‌شود:<sup>۱</sup>

۱- فقرا: فقیر فردی است که در اثر نبودن کار دائم یا پیش‌آمدهای زندگی، یا کثرت افراد تحت تکفل، دچار کمبود درآمد است، و امکان پرداختن به کار بهتر را نیز ندارد. در نتیجه نمی‌تواند خرج سال خود و عائله‌اش را در حد حفظ آبرو و متناسب با شأن اجتماعی خویش به دست آورد.

### فعالیت

با توجه به آیه‌ی ۲۷۳ از سوره‌ی بقره، پنج مشخصه‌ی نیازمندان واقعی را استخراج نمایید.

۲- مساکین: مسکین به فردی اطلاق می‌گردد که به عللی مانند نقص عضو، بیماری، و پیری، خانه‌نشین و یا از کار افتاده شده است و از این‌رو، قدرت کسب مخارج سالانه‌ی خود (و نان خورانش) را ندارد.

۳- عاملان: کسانی هستند که از جانب امام عَلَيْهِ السَّلَام یا نایب وی، مأمور گرفتن، نگهداری و محاسبه‌ی زکات‌اند. سهمی از زکات به عنوان حق الزحمه به آنان تعلق می‌گیرد.

۴- ایجاد اُلفت: سهمی از زکات به کفار و مسلمانانی که عقایدشان ضعیف است اعطا می‌شود تا علاقمند به اسلام و جهاد با دشمنان شده و با دشمنان متحد نشوند.

۵- آزادکردن: در صورت وجود انسان‌های دربند و یا به بردگی درآمده، سهمی از زکات جهت رها نمودن آنان از بند اسارت (و زندان) پرداخت می‌گردد.

۶- بدهکاران: از دیگر مصارف زکات، پرداخت بدهی و قرض افرادی است که بر اثر قرض یا ورشکستگی (نه از روی معصیت و گناه)، قادر به پرداخت بدهی خود نیستند.

۷- در راه خدا: مانند هزینه‌های احداث یا تعمیر جاده، بیمارستان و به طور کلی، هر چه مربوط به مصالح عمومی جامعه و مسلمانان بوده و نیز هر چه موجب اعتلای اسلام و از بین رفتن فتنه و فساد از حوزه‌ی اسلام یا مسلمانان می‌شود.

۸- در راه ماندگان: به مسافرانی که سفر آنان در راه معصیت نباشد و به علتی در غربت دچار بی‌پولی شده‌اند، از زکات به مقداری که آن‌ها را به مقصد برساند پرداخت می‌گردد.

\* \* \*

۱- در آیه‌ی ۵۹ از سوره‌ی توبه به این هشت مورد اشاره گردیده است.

## چند مسأله

- \* به افراد کافر و بی ایمان زکات پرداخت نمی گردد، مگر بابت تألیف قلوب.
- \* صدقه بر دو نوع است: واجب (زکات)، مستحب (یا مندوب). غیر سید نمی تواند به سید زکات (صدقه‌ی واجب) دهد.<sup>۱</sup> ولی پرداخت صدقه‌ی مستحبی به سادات اشکال ندارد.
- \* از آنجا که زکات یکی از عبادات است، نیت و قصد قربت در آن واجب است.
- \* تجارت با مال زکات نداده باطل است، و تصرف در چنین مالی جایز نیست.

### فعالیت

چند مورد از تفاوت‌های زکات با مالیات را بیان نمایید.

\* \* \*

## زکات بدن (فطریه)

این نوع از زکات، بنا به روایات، متمم روزه‌ی ماه مبارک رمضان است. مسلمانان مقارن با فرارسیدن عید فطر، و به پاس نعمت سلامتی و توفیق روزه‌داری، مقداری گندم یا خرما به نیازمندان می دهند تا آنان نیز در این روز بزرگ عید بگیرند.

**مقدار زکات فطر:** به ازای هر نفر، سه کیلوگرم گندم، برنج، خرما، مویز، جو یا هر غذای متداول آن منطقه، (و یا بهای آن) است که به نیازمندان مؤمن پرداخت می گردد. فطریه‌ی غیر سادات نیز به سادات فقیر تعلق نمی گیرد.

**زمان پرداخت:** از غروب شرعی شب اول شوال تا ظهر عید فطر. کسانی که امکان حضور در نماز عید را دارند، پیش از نماز عید باید آن را بپردازند یا از مال خود کنار بگذارند (به این مسأله کم اهمیت داده می شود).

**شرایط و جوب:** افرادی که مخارج زندگی شان را خود به دست می آورند و فقیر نیز نیستند، واجب است فطریه‌ی خود و تمام افراد تحت تکفل (نان خور) خویش، حتی نوزاد، را پرداخت نماید. کسی که فطریه‌اش بر دیگری واجب است، پرداخت فطریه از عهده‌ی وی ساقط می شود، حتی اگر مُتَمَوِّل و غَنی باشد و اگر بداند که سرپرست یا میزبان، زکات وی را نپرداخته یا فراموش نموده، پرداخت

۱- در حالت اضطراری دادن زکات غیر سید به سید جایز است.



زکات بروی واجب نیست، هر چند احتیاط مستحب این است که جای آن‌ها پرداخت کند.

### بیندیشید و پاسخ دهید

۱- ارتباط میان خشکسالی و سیل را با پرداخت نکردن زکات چگونه توجیه

می‌کنید؟

۲- اگر مردم مقید به پرداخت زکات باشند وضعیت جامعه چه تغییراتی خواهد

نمود؟

### پیشنهاد جهت تحقیق

آثار فردی و اجتماعی پرداخت زکات، و تأثیرات منفی بی‌توجهی به آن را

دسته‌بندی و به عنوان یک کار تحقیقی به کلاس ارائه دهید.

## خمس

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ  
الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ ...»

سوره انفال، آیه ۴۱

ترجمه: بدانید هرگونه فایده‌ای که به دست آورید، یک پنجم آن برای خدا و برای پیامبر و اهل بیت و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان (از آنان) است، اگر به خدا ایمان آورده‌اید.

## خمس

«خمس» در اصطلاح شرعی به معنی «پرداخت یک پنجم از برخی اموال که انسان به دست می‌آورد» می‌باشد که در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام به نایب عام وی (ولی فقیه یا مرجع تقلید) تسلیم می‌گردد تا در امور تعیین شده صرف گردد.

نیمی از خمس، «سهم امام» علیه السلام و نیم دیگر «سهم سادات» (فقیر) است. سهم اول صرف نیازهای جامعه و مصالح اسلام و مسلمین، مانند ساخت مساجد، تربیت مبلغان دین و امور فرهنگی تبلیغی می‌گردد، و سهم دیگر متعلق به سادات نیازمند است که چون دریافت زکات بر آن‌ها حرام است خداوند برای تکریم و عزت پیامبر صلی الله علیه و آله و ذریه‌اش، این سهم را مقرر فرموده است و فقط به اندازه‌ی احتیاج سالانه به آنان پرداخت می‌گردد. در هر دو صورت، مصرف خمس باید از طریق حاکم شرع (ولی فقیه یا مرجع تقلید) یا با اجازه‌ی وی در مواردی که تعیین کرده است صورت گیرد.

پرداخت خمس نیز مانند زکات، موجب پاکی مال، برکت آن و بهرمندی از برکات معنوی می‌گردد.

خمس درحقیقت، یک پنجم از همان مالی است که خداوند متعال به انسان ارزانی داشته و

دستور پرداخت آن را جهت رفع نیازهای جامعه‌ی اسلامی صادر نموده است. بنابراین پرداخت آن نه تنها ممتی بر خدا و رسولش نیست بلکه لطفی از سوی پروردگار است که با واجب نمودن آن، موجب تطهیر اموال و نفوس مسلمانان و رشد و تعالی جامعه‌ی آنان می‌گردد. به تعبیر دیگر، این بندگان هستند که محتاج پرداخت خمس هستند، نه خداوند و ائمه اطهار علیهم‌السلام (یا نمایندگان صالح آنان)، که آنان بی‌نیاز از ذخایر مادی و صاحب خزائن غیبی هستند.

● تذکر: اموری مانند «زکات»، «صدقه» و «نذورات» متفاوت از «خمس» هستند و هر یک دارای شرایط و مصارف خاص خود بوده و جای یکدیگر را پر نمی‌کنند.

## موارد تعلق خمس

به هفت مورد، خمس تعلق می‌گیرد: مازاد مخارج سالانه، مال آمیخته با حرام، غنائم جنگی، معادن، گنج، جواهرات به دست آمده از طریق غواصی و زمین خریداری شده توسط ذمی. در این جا ما به دو مورد که بیشتر مبتلا به است اشاره می‌کنیم.

\* تذکر: در نظر داشته باشید که آنچه در این درس با آن آشنا می‌شوید کلیات مبحث و برخی مسائل مهم آن بوده و هرگز نباید به چشم یک کتاب کامل فقهی به آن نگریسته شود. تفصیل این احکام را، همانند دیگر مباحث این کتاب، می‌توانید از رساله‌های توضیح المسائل و دیگر کتب فقهی جستجو نمایید.

۱- درآمد بیش از مخارج سالیانه (مؤونه): هر فرد در جامعه دارای شغل و درآمدی است تا به دستور خداوند سبحان، مخارج خود و خانواده‌اش را از راه حلال تأمین نماید. اگر درآمد فرد کمتر از مخارج ضروری وی باشد «فقیر» محسوب شده، دیگران وظیفه دارند به وی کمک کنند. اما اگر درآمد وی بیش از مخارج معمول زندگی او باشد، پرداخت خمس بر او واجب می‌شود و باید یک پنجم از درآمد مازاد را به عنوان خمس پرداخت نماید. در واقع یک پنجم از هر مالی که انسان به دست می‌آورد متعلق به امام معصوم علیه‌السلام است و باید تسلیم وی نمود، اما جهت تخفیف و لطف، پرداخت خمس فقط بر کسانی واجب است که تا یکسال نیاز مبرم به آن نداشته باشند.

بنابراین هر فرد پس از گذشت یک سال از کسب درآمد موظف است که یک پنجم از آنچه خرج نشده است را به عنوان خمس جدا ساخته و چهار پنجم باقیمانده را می‌تواند تا هر زمان که مایل بود نزد خود نگهدارد و یا با آن سرمایه‌گذاری نماید؛ به این مال (خمس داده شده) دیگر خمس تعلق نمی‌گیرد.<sup>۱</sup>

۱- به اصطلاح فقهی: «الْمَخْمَسُ لَا يُخْمَسُ».

برخی افراد برای فرار از پرداخت خمس، هنگام نزدیک شدن «سال خمسی»، اقدام به خرید وسایلی می‌کنند که به آن نیاز ندارند، در حالی که اگر شخص اسراف و تبذیر کند و وسایل تجملاتی بخرد، باید خمس آن وسایل یا مقدار اسراف شده را بپردازد. همچنین اگر مبادرت به خرید وسایلی کند که فعلاً مورد نیاز وی نیست خمس آن وسایل را نیز باید پرداخت نماید.

### بررسی

به نظر شما، چرا برخی از پرداخت خمس فرار می‌کنند؟ این افراد معمولاً چه توجیهاتی را برای کار خود عنوان می‌کنند؟ صحت و سقم این توجیهات را بررسی نمایید.

**سال خمسی:** هر فردی که دارای شغل ثابت و مشخصی باشد زمان شروع به کار و کسب درآمد را باید ملاک قرار داده و در هر سال با فرارسیدن آن زمان، خمس باقی مانده‌ی درآمد خود را محاسبه و پرداخت نماید. تعیین و تغییر این تاریخ، انتخابی و دلخواه نیست و به زمان شروع درآمد یا کار بستگی دارد.

اگر شخص بخواهد سال خمسی خود را تغییر دهد ابتدا باید خمس تمام اموال باقیمانده را محاسبه کند و سپس سال خمسی خود را از آن تاریخ جدید محاسبه نماید.

موارد متعددی مشمول پرداخت خمس می‌شوند: مواد مصرفی منزل (مانند اقلام خوراکی) در صورتی که در پایان سال خمس اضافه بیاید؛ پس انداز (در منزل یا بانک) و نیز وسایلی که جهت بهره‌برداری در سال‌های آتی آن را خریداری و نگهداری نماید.

تصرف در مالی که به آن خمس تعلق گرفته جایز نیست و قبل از هرگونه تصرف در آن باید خمس آن را جدا نمود. همین‌طور در مورد ارث، در صورتی که مشمول پرداخت خمس باشد و پرداخت نشده باشد، قبل از تقسیم بین ورثه باید خمس آن محاسبه و پرداخت گردد.



**۲- مال حلال مخلوط با مال حرام:** دومین مورد وجوب خمس عبارت از مال حلال مخلوط با حرام است به گونه‌ای که تفکیک آن دو از یکدیگر ممکن نباشد؛ یعنی نه مقدار مال حرام مشخص باشد و نه صاحب آن. در این صورت باید خمس تمام اموال را پرداخت نماید تا استفاده از مابقی جایز

شود.

نمونه‌ی رایج و مبتلا به آن در مورد افرادی است که از ابتدای سن تکلیف، حساب خمسی نداشته‌اند و نمی‌دانند چه میزان خمس بر اموال آن‌ها تعلق گرفته و می‌گیرد.

## فعالیت

حکم مسأله را در صورت مشخص بودن مقدار مال حرام و نامعلوم بودن صاحب آن، و نیز در صورت معلوم بودن صاحب مال و مجهول بودن میزان مال بیان کنید.

## پیشنهاد

- ۱- آیا به پول پس‌انداز شده جهت تهیه‌ی مسکن و یا خرید جهیزیه خمس تعلق می‌گیرد؟ نظر مرجع تقلید خود را در این باره به دست آورید.
- ۲- چنین مشهور است که «هدیه خمس ندارد»؛ با مراجعه به رساله (و استفتاءات) مراجع تقلید تحقیق کنید که کدام یک از مراجع آن را واجب و کدام یک مستحب می‌دانند.

## بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- اگر فرد مدتی از وسیله‌ای که فعلاً مورد نیاز وی نیست استفاده کند آیا از شمول خمس خارج می‌گردد؟
- ۲- کسی که شغل و درآمد مستمر ندارد سال خمس خود را چگونه باید تعیین کند؟
- ۳- آیا پرداخت خمس فقط مربوط به برخی مشاغل و افراد است؟ آیا ممکن است به کارمند یا دانش‌آموز نیز (و جوب) خمس تعلق بگیرد؟ (توضیح دهید)

## وصیت

كُنْتُبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَ  
الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ، حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ

سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۰

ترجمه: بر شما واجب شده است که هنگام فرا رسیدن مرگ، در صورت بر جای گذاشتن مال، به طرزی پسندیده برای پدر و مادر و خویشاوندان خود وصیت نمایید: این عمل حقی برای پرهیزگاران است.

## وصیت و انواع آن

انسان‌های بزرگ چکیده‌ی تجربیات خود را در قالب وصیت به فرزندان یا آشنایان خود منتقل می‌کنند تا آن را به کار بسته و از عمر خویش نهایت استفاده را ببرند. این سفارش‌ها مملو از نکات و ظرایف اخلاقی و اعتقادی است. وصیت‌نامه‌های به جا مانده از ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام، حضرت امام خمینی (ره)، و شهدای هشت سال دفاع مقدس، از نمونه‌های خوب و مفید این موضوع هستند. افراد عادی نیز می‌توانند توصیه‌های اخلاقی یا رفتاری خود را به نزدیکان خویش در قالب نامه یا به صورت شفاهی انتقال دهند. هر انسان تا زمان حیات خویش اختیار اموال خود را داراست و پس از مرگ، این اموال در اختیار بازماندگان وی قرار می‌گیرد. البته وی می‌تواند (تا حدودی) نسبت به چگونگی تقسیم این اموال پس از مرگ اظهار نظر (وصیت) کند. چگونگی وصیت و حدود آن را شرع تعیین می‌کند.

## پیشنهاد

گزیده‌ای از یک وصیت اخلاقی (یکی از شهدای محل یا یک عالم برجسته) را انتخاب و در قالب چند سطر برای نصب در کلاس یا تابلوی مدرسه ارائه نمایید.



## فواید و فلسفه‌ی وصیت‌های مالی

بهترین طریقه‌ی تقسیم دارایی انسان پس از مرگ، روشی است که خداوند آن را مقرر فرموده و در کتاب شریف قرآن نیز ذکر گردیده است.<sup>۱</sup> انتقال اموال انسان به بستگان نزدیک و تقسیم «عادلان»ی آن بین آنان، مناسب‌ترین روش برای حفظ زحمات فرد و حرمت نهادن به حقوق شخصی افراد است. «عزیزترین» اشخاص به انسان و «دلسوزترین» آنان، خانواده و خویشاوندان وی می‌باشند و دارایی انسان، دارایی خانواده نیز محسوب می‌شود. قانون انتقال اموال انسان به خانواده‌ی وی، علاوه بر آرامش روحی فرد ناشی از اطمینان از به هدر نرفتن تلاش خویش، موجب استحکام پیوند خویشاوندی نیز می‌گردد.

## فعالیت

فواید تعلق یافتن ارثیه به اقوام نزدیک در دین اسلام را بیان نمایید.

در کنار قانون الهی جهت تقسیم ارث، هر انسانی حق دارد درباره‌ی سرنوشت مال خویش پس از مرگ، حداکثر تا یک سوم از آن، وصیت نماید. این وصیت می‌تواند شامل صرف مال در امور خیر، بهره‌مند کردن برخی اقوام یا آشنایانی که از او ارث نمی‌برند، اجیرکردن فرد جهت خواندن نماز قضا یا مستحبی، گرفتن نایب برای قضا کردن روزه‌های فوت شده و انجام سایر اعمال عبادی دیگر نظیر انجام حج عمره یا قرآن خواندن و نظیر آن باشد.

اگر فرد بیش از ثلث دارایی خویش وصیت کند، فقط تا  $\frac{1}{3}$  (یک سوم) آن «لازم الاجرا» است و باقی منوط به اجازه‌ی وارثین و گذشتن از حق شرعی خود می‌باشد.

به جز وصیت ثلث (که گاهی «ثلث خیریه» نیز نامیده می‌شود)، در صورتی که بدهی، امانت و یا

۱- در درس بعد با برخی از این قوانین آشنا خواهید شد.

حق الناسی بر گردن وی باشد، واجب است آن را به اطلاع وارثین یا وصی خود برساند و در مورد ادای آن وصیت کند. این قسمت از وصیت (در مورد پرداخت بدهی)، مشمول محدودیت به ثلث اموال نمی‌شود بلکه مقدم بر تقسیم ارث و جدا از آن محاسبه و پرداخت می‌گردد.

\* \* \*

### نحوه‌ی وصیت

وصیت کردن منحصر به زمان مرگ یا بیماری نیست، بلکه مستحب است که انسان همواره خویش را برای مرگ و حوادث غیرمترقبه آماده نموده و با عاقبت‌اندیشی برای آینده برنامه‌ریزی کند. هر فرد مسلمان موظف است با مشاهده‌ی علایم مرگ، امانات مردم را به صاحبانش بازگرداند و بدهی خود را پرداخت یا به دادن آن وصیت کند؛ اگر دینی (مالی یا غیر آن) بر گردنش است ادا نماید یا حالیت بطلبد؛ همچنین اگر فرزند صغیری دارد یا سرپرستی یتیمی را برعهده دارد لازم است برای آنان قیم تعیین نماید.

فردی که از سوی وصیت‌کننده، عهده‌دار اجرای وصیت می‌شود («وصی» نامیده می‌شود. وصیت می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد و بهتر این است که در حضور دو شاهد عادل یا به صورت محضری انجام پذیرد تا موجب اختلاف نگردد. همچنین اگر حق الله (نماز و روزه‌ی قضا، حج) بر عهده‌ی وی است لازم است برای آن نیز از ثلث مال خویش وصیت نماید.

\* \* \*

در اسلام برای هر یک از طرفین وصیت حقوق و تکالیفی وجود دارد که باید آن را رعایت

نمود :

### حقوق و وصیت‌کننده

وارثین، و نیز وصی، موظف به رعایت موارد ذیل هستند :

۱- توجه به «امانت» بودن وصیت‌نامه و محتوای آن، و وظیفه‌ی خطیر امانت‌داری و مواظبت از تحریف نشدن آن.

۲- احترام به حق تصرف وصیت‌کننده در باره‌ی اموال خود پس از مرگ خویش و توجه به تکلیف‌آور بودن این حق برای وصی و نزدیکان در عمل به مفاد آن (مشروط به این که خلاف شرع نباشد).

۳- کوتاهی نکردن و به تعویق نینداختن اجرای وصیت و عمل نمودن دقیق به آن، به عنوان



تشکر از زحمات آن سفر کرده.

## حقوق و وصیت شوندهگان

- وصیت کننده نیز موظف به رعایت موارد ذیل درباره‌ی خویشاوندان خود می‌باشد :
- ۱- عدم تبعیض ناروا در وصیت بین فرزندان یا دیگر نزدیکان.
  - ۲- عدم وصیت بیش از ثلث مال؛ بلکه سفارش شرع این است که جهت حفظ حقوق وارثین شرعی، کمتر از ثلث وصیت کند.
  - ۳- عدم بخشش تمام اموال خود به دیگران یا امور خیر، به هنگام فوت یا نزدیک شدن آن، و احترام به حق بهره‌مندی خویشان از ارثیه.
  - ۴- در نظر گرفتن منابع مالی جهت مواردی که به آن وصیت می‌کند، تا ورثه برای انجام آن به زحمت نیفتند.
  - ۵- عدم وصیت به امور فتنه‌انگیز و اختلاف‌افکن.
  - ۶- عدم تعیین تکلیف برای افرادی که سرپرستی آن‌ها را برعهده نداشته است.
  - ۷- عدم محدود نمودن افراد تحت سرپرستی خود در اموری که هر فرد حق انتخاب و آزادی عمل در آن را دارد.

\* \* \*

## وصیت‌های باطل

- ۱- وصیت بیش از ثلث مال (مگر ورثه به آن راضی شوند و اجازه دهند).
- ۲- وصیت به انجام کار حرام یا کاری که موجب ظلم و تضییع حق شود.
- ۳- وصیت به اموری که در حدود اختیارات متوفی نبوده و دخالت در اموال یا امور دیگران محسوب می‌شود.

\* \* \*

## بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- وصیت به محروم نمودن برخی از فرزندان از ارث چه حکمی دارد؟
- ۲- مثال‌هایی شایع از وصیت‌های بدون اعتبار (باطل) را بیان کنید.

## ارث

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ  
الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا

سوره ی نساء، آیه ۷

ترجمه: برای مردان از آنچه والدین و خویشاوندان (پس از مرگ خویش) بر جا می گذارند بهره ای است، و برای زنان (نیز) از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان بر جا می گذارند سهمی؛ چه کم باشد و چه زیاد؛ این بهره مندی و سهم، تعیین شده و واجب است.

### آشنایی با چند اصطلاح فقهی — حقوقی

مُتَوَفَّى: فرد فوت شده

وارث: فردی که (طبق قانون) از متوفی ارث می برد.

مُورَث: فرد متوفی که دیگران از اموال باقی مانده ی او ارث می برند.

وَرَاث: جمع وارث؛ به آن «وَرَثَه» نیز می گویند.

ما تَرَكَ: اموال باقی مانده از متوفی پس از کسر دیون و سایر مخارج؛ همچنین «ارثیه»، «ترکه»،

و «ارث» نیز به آن می گویند.

\* \* \*

### کیفیت تقسیم ارث

پس از فوت، اموال متوفی مطابق قانون الهی بین خویشاوندان وی تقسیم می گردد. طبق قانون اسلام نمی توان تمام ارث را به شخص خاصی اختصاص داد و او را «وارث انحصاری» قرار داد. همچنین نمی توان کسی از بستگان را (به طور کامل) از ارث محروم نمود؛ متوفی قبل از مرگ خویش

می تواند (حداکثر) تا یک سوم از اموال خویش را آن طور که صلاح می داند وصیت نماید، اما نسبت به دو سوم باقی مانده هیچ حقی ندارد و مطابق قانون الهی تقسیم می گردد.

تقسیم ارث، پس از کسر هزینه های کفن و دفن و پرداخت دیون مالی میت انجام می شود؛ این دیون عبارتند از: دیون شرعی (مانند: خمس، زکات، فطریه و کفارات روزه، هزینه ی حج نیابتی در صورتی که حج بروی واجب شده باشند، و غیر آن)، و بدهی مالی به افراد و سازمان ها.

پس از پاک شدن مال، نوبت به انجام وصایای مالی متوفی می رسد؛ اگر متوفی وصیت (مالی) نموده باشد، به آن وصیت (حداکثر تا ثلث ترکه) عمل می شود. و اگر بیش از ثلث وصیت نموده باشد در صورت رضایت ورثه، به آن مازاد نیز عمل می شود. سپس مابقی، مطابق قانون الهی بین وراث تقسیم می گردد.



## وارثین عادی

افرادی که به طور معمول از انسان ارث می برند عبارتند از: پدر، مادر، فرزند، همسر؛ که سهم هر یک به شرح ذیل است:

۱- همسر (زوج):  $\frac{1}{4}$  از ماترک؛ و در صورتی که میت فرزندی نداشته باشد:  $\frac{1}{2}$

۲- همسر (زوجه):  $\frac{1}{8}$  از ماترک؛ و در صورت نداشتن فرزند:  $\frac{1}{4}$

۳- پدر و مادر: هر یک  $\frac{1}{6}$

۴- فرزندان: پس از آن که سهم پدر، مادر و همسر، از ارث مشخص شد، مابقی بین فرزندان

به نسبت تقسیم می گردد؛ پسر «دو سهم»، و دختر «یک سهم».

## مثال تقسیم ارث

مسأله: مردی از دنیا رفته و ماترک او پس از جدا کردن (و پرداخت) دیون و ثلث خیریه اش، دوازده میلیون تومان است. ورثه ی او عبارتند از: پدر، مادر، همسر، دو پسر و یک دختر. سهم الارث هر یک را به دست آورید.

پاسخ:

$$\text{سهم پدر: (تومان)} \quad ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{1}{6} = ۲,۰۰۰,۰۰۰$$

$$\text{سهام مادر: } 12,000,000 \times \frac{1}{6} = 2,000,000 \text{ (تومان)}$$

$$\text{سهام همسر (زوجه): } 12,000,000 \times \frac{1}{8} = 1,500,000 \text{ (تومان)}$$

کل سهام فرزندان (ماقی):

$$12,000,000 - (2,000,000 + 2,000,000 + 1,500,000) = 6,500,000 \text{ (تومان)}$$

با توجه به این که نسبت سهام فرزندِ پسر، «دو» و نسبت سهام فرزندِ دختر «یک» است، با انجام عمل تقسیم به نسبت، سهم هریک را به دست می آوریم:

$$\text{مجموع نسبت ها: } 5 = (\text{دختر}) 1 + (\text{پسر}) 2 \times 2$$

$$\text{مبلغ یک سهم (سهام فرزند دختر): (تومان) } 6,500,000 \div 5 = 1,300,000$$

$$\text{سهام هر فرزند پسر: (تومان) } 2 \times 1,300,000 = 2,600,000$$

\* \* \*

### تمرین

مادری از دنیا رحلت نموده و ماترک وی، پس از جدا نمودن سایر مخارج و ثلث خیریه، شش میلیون تومان است. وارث های او عبارتند از: همسر، یک فرزند پسر و سه فرزند دختر. سهم ارث هر کدام را به دست آورید.

### طبقات ارث

وارثین به طور کلی به سه گروه تقسیم می شوند که هر گروه، «طبقه» نام دارد. تا زمانی که از هر طبقه حتی یک نفر وجود داشته باشد، نوبت به طبقه ی بعد نمی رسد. طبقه ی نخست عبارت است از: پدر، مادر و فرزندان متوفی. در صورت فوت تمام فرزندان، نوادگان به جای آن ها ارث می برند. طبقه ی دوم تشکیل شده است از: پدر بزرگ، مادر بزرگ، خواهر و برادر. و در صورت زنده نبودن هیچیک از خواهران یا برادران میت، فرزندان نشان جایگزین می شوند. طبقه ی سوم متشکل از: عمو، عمه، دایی و خاله، و در صورت فوت همه، فرزندان آن ها می باشد.

\* تذکر: همسر جزء طبقه ی خاصی نیست و همراه همه ی طبقات ارث می برد.

## چند مثال

- ۱- اگر برخی فرزندان متوفی قبل از فوت وی از دنیا رفته باشند و هنگام فوت فقط یک فرزند پسر زنده باشد، همه‌ی ماترک به او تعلق می‌گیرد و به فرزندان فوت شده یا نوه‌ها سهمی تعلق نمی‌گیرد.
- ۲- اگر میت صاحب فرزند نباشد و جز شوهر وی، فقط مادرش از طبقه اول زنده باشند، به شوهر  $\frac{1}{4}$  از ماترک و به مادر  $\frac{1}{4}$  از ماترک را می‌دهند.  $\frac{1}{4}$  باقی مانده نیز به مادر تعلق می‌گیرد.
- ۳- اگر از میت فقط دو نوه و چند خواهر باقی باشند، ارثیه بین نوادگان تقسیم می‌شود و به خواهران سهمی نمی‌رسد.



## چند نکته :

- \* کافر از مسلمان ارث نمی‌برد، حتی اگر جزو افراد طبقه‌ی نخست باشد.
- \* اگر قاتل، جزو ورثه‌ی مقتول باشد، از او ارث نمی‌برد، مگر قتل از روی عمد نباشد.
- \* در صورتی که متوفی درباره‌ی فردی که به طور قانونی از وی ارث می‌برد، وصیتی از ثلث مالش کرده باشد، این فرد دو بار ارث می‌برد : ابتدا طبق وصیت به ثلث و سپس طبق قانون الهی.
- \* توجه : مسائل تقسیم ارث، مبحث مفصل و ظریفی است و دارای تبصره‌های متعددی می‌باشد. در این درس جهت آشنایی شما عزیزان، تنها مواردی از آن ذکر شد و شما می‌توانید در صورت نیاز یا تمایل، از کتاب‌های مفصل‌تر فقهی در این زمینه و یا اساتید فن کمک بگیرید.

## برای دانش آموزان فعال

### تفاوت سهم و مسئولیت مردان

مردان چون مسئول تأمین هزینه‌های زندگی خود و افراد تحت تکفل خود هستند، نیاز مالی بیشتری نسبت به زنان دارند. هر چند زنان نیز می‌توانند در اجتماع به کار و کسب روزی بپردازند ولی زن در اسلام وظیفه‌ای نسبت به تأمین هزینه‌ی زندگی ندارد و اموالش در اختیار وی است. از آن‌جا که معمولاً زنان در منزل به امر تربیت فرزند و خانه‌داری مشغول‌اند و وظیفه‌ی مالی برعهده ندارند، سهم ارث آنان نصف مردان تعیین شده است. البته این به معنی نصف شدن سهم زن نیست زیرا اگر چه مردان دو سوم

دارایی را به ارث می‌برند و زنان فقط یک سوم را، ولی آن دو سوم نیز در زندگی مشترک در اختیار آن دو قرار می‌گیرد و لذا این تقسیم سرمایه، بهترین روش تقسیم عادلانه است و در تشکیل خانواده اثرات عمیق و نافع دارد.

ممکن است گفته شود برخی از زنان یا مردان ممکن است ازدواج نکنند و یا گاهی هزینه‌ی زندگی بر عهده‌ی زن می‌افتد (مانند زنان بی‌سرپرست و یا بی‌شوهر)؛ پاسخ این است که قوانین الهی همانند تمام قانون‌ها هماهنگ با نیاز غالب افراد جامعه تنظیم می‌شود نه براساس استثناها، و در اسلام اصل بر این است که افراد ازدواج کنند و مرد نیز مسئول پرداخت خرجی همسر و فرزندان می‌باشد.

نکته‌ی بعد این که نصف بودن سهم زنان در تمام موارد جاری نیست بلکه در برخی موارد مساوی و حتی بیشتر از مرد است؛ سهم مادر با پدر یکسان است، سهم دختر (تک فرزند) بیشتر از پدر می‌باشد، . . .

با کمک از متن بالا به این پرسش‌ها پاسخ دهید :

- ۱- چرا در اسلام سهم ارث دختران کم‌تر از پسران تعیین شده است؟ حکمت این امر چیست؟
- ۲- برخی از مواردی را که سهم ارث زنان همانند سهم مردان است نام ببرید.

\* \* \*

بهترین ارث

امام علی (ع) : خَيْرُ مَا وُرِّثَ الْآبَاءُ الْآبْنَاءُ الْأَدَبُ.

غررالحکم

بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به ارث می‌گذارند ادب است.

## احکام کسب و کار

عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ عَلَى الْمُنْبَرِ :

يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ! الْفَقْهَ ثُمَّ الْمَتَّجِرَ، الْفَقْهَ ثُمَّ الْمَتَّجِرَ، الْفَقْهَ ثُمَّ الْمَتَّجِرَ.  
وَ اللَّهُ لِلرَّبِّا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا.

فروع کافی، باب آداب التجاره، حدیث ۱

اصغ بن نباته (یکی از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام) نقل می کند که: «خود شنیدم که امیرالمؤمنین بر فراز منبر می فرمود:

ای جماعت اهل تجارت! اول (یادگیری) فقه سپس (مشغول شدن به) تجارت،

اول یادگیری احکام سپس کسب و کار، اول فقه سپس تجارت؛

به خدا قسم که (راه یابی) ربا در میان این امت از راه رفتن مورچه بر سنگ صاف

صیقلی مخفی تر است».

### جایگاه کسب و تجارت در زندگی فرد مسلمان

خداوند انسان را مکلف نموده تا مانند سایر موجودات، با کار و تلاش، نیازهای خود و افراد تحت تکفلش را تأمین نماید. کسب و کار و دوری از تن پروری موجب پرورش جسم (و روح) شده و انسان را از وابستگی به دیگران رها می سازد. در دین مبین اسلام، تلاش برای به دست آوردن روزی حلال، نه تنها واجب است بلکه عبادت نیز محسوب شده و چنین افرادی که برای رفع نیاز خانواده ی خود از آسایش خود می گذرند، «مجاهد در راه خدا» لقب گرفته اند؛ «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ خَلَالِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>۱</sup>. البته این کسب و کار، انسان های مؤمن را از هدف اصلی خویش و یاد خدا غافل نمی کند:

۱- روایت از امام صادق علیه السلام در کتاب کافی، من لا یحضره الفقیه، وسائل الشیعه، و دیگر منابع روایی.

«رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ»<sup>۱</sup>.

با وجود این که مالک «حقیقی» تمام عالم، حضرت حق است، هر انسانی مطابق قوانین می تواند مالکیت «اعتباری» برخی اموال را دارا باشد و وظیفه دارد که آن را به طور صحیح مورد استفاده قرار دهد؛ نه اسراف کند و نه بخل بورزد.

\* \* \*

## انواع داد و ستد در اسلام

به طور کلی هر داد و ستدی بر دو گونه است: صحیح و باطل.

قرارداد صحیح عبارت از قراردادی است که طبق شرایط لازم در اسلام انجام شده باشد. بطلان قرار داد نیز به معنی «عدم انتقال ملکیت از فروشنده به خریدار» است، که در این صورت، مشتری ملزم به بازگرداندن کالا به مالک اصلی، و فروشنده ملزم به پرداخت مبلغ دریافتی وی می باشد؛ زیرا تصرف در اموال دیگران اگر بدون حق قانونی یا رضایت آن ها باشد «غصب» است و گناه محسوب می شود. از جنبه ی دیگر، داد و ستدها در اسلام بر پنج گونه تقسیم می شوند: واجب، مستحب، مباح، مکروه، حرام (در درس بعدی بیشتر در این مورد گفتگو خواهیم کرد).

داد و ستدها از نظر نوع کالا و شرایط، انواع مختلفی دارند، «خرید و فروش» (بیع)، رایج ترین نوع داد و ستد و مبادله ی کالا به شمار می رود که در این درس با شرایط آن آشنایی پیدا خواهیم کرد. در درس بعد نیز برخی دیگر از انواع داد و ستد معرفی خواهند شد.

\* \* \*

### خرید و فروش (بیع)

«بیع» قراردادی است دو جانبه میان خریدار (مشتری) و فروشنده (بایع)، مبنی بر رضایت و موافقت طرفین به تبادل کالا با مبلغ آن. این پیمان می تواند به صورت کتبی، شفاهی و یا داد و ستد (مُعاطات) انجام پذیرد.

**الف - انواع خرید و فروش:** قرارداد خرید و فروش کالا، برحسب زمان «تحويل کالا» و «پرداخت مبلغ»، سه گونه انجام پذیر است:

۱ - **نقد:** تحويل کالا و پول، هم زمان و هنگام قرارداد صورت می گیرد.

۲ - **نسیه:** تحويل کالا زمان انعقاد قرارداد، و پرداخت مبلغ با تأخیر صورت می گیرد.

۱- سوره ی نور، آیه ۳۷



۳- **سَلَف (پیش خرید):** در این نوع قرارداد، ابتدا تمام مبلغ کالا به فروشنده پرداخت می‌گردد و کالا در زمان آینده تحویل مشتری می‌شود.  
در این کتاب فقط به بررسی قراردادهای نقدی و شرایط صحت و فسخ آن‌ها پرداخته خواهد شد.

### ب- شرایط خرید و فروش

۱- **شرایط خریدار و فروشنده:** برای صحت قرارداد، هر یک از طرفین باید شرایط ذیل را به هنگام عقد قرارداد داشته باشند:

۱- عقل

۲- بلوغ<sup>۱</sup>

۳- مالکیت کالا یا پول، و یا دارا بودن اذن تصرف از سوی مالک آن

۴- قصد جدی در انعقاد قرارداد

۵- آزادی و اختیار در قبول یا رد قرارداد

۶- عدم ممنوعیت از تصرف

۲- **شرایط پول و کالا:**

۱- کالا در زمان قرارداد موجود باشد.

۲- فروشنده قادر به تسلیم کالا به مشتری باشد.

۳- اوصاف کالا و آنچه در قیمت دخیل است مشخص باشد.

۴- تعداد یا وزن دقیق کالا مشخص باشد؛ مگر اجناسی که معمولاً با «مشاهده» داد و ستد

می‌شوند، مانند خانه یا فرش.

### فعالیت

با توجه به شرایط کالا و پول:

فروش کالایی که مشخصات آن نامعلوم است و امکان رؤیت کالا قبل از خرید

وجود ندارد... است. همین‌طور، خرید و فروش میوه‌ای که معمولاً آن را به صورت

وزنی خرید و فروش می‌کنند، به صورت مشاهده‌ای... است.

۱- البته در چیزهای مختصر، خرید و فروش با کودک ممیز جایز است.

ج — شرایط فسخ خرید و فروش : پس از رضایت طرفین و تبادل کالا و پول بین دو طرف، در صورت صحیح بودن قرارداد، عمل به مفاد آن قرارداد از سوی طرفین لازم است و هیچ کدام بدون رضایت و توافق دیگری، حق برهم زدن آن را ندارند. البته در صورت پشیمان شدن یکی از طرفین و درخواست او، قبول این درخواست («اقاله») و پس گرفتن قرارداد، مستحب است.

### امام صادق علیه السلام :

هر مسلمانی کالای فروخته شده را از خریدار پشیمان پس بگیرد خداوند سبحان در روز قیامت اشتباهات او را نادیده می گیرد.

کتاب کافی، ج ۵، ص ۱۵۳

در موارد زیر می توان قرارداد را یک جانبه فسخ نمود :

- ۱- قبل از خروج طرفین از محل قرارداد
- ۲- ضرر و زیان قابل توجه یکی از طرفین بر اثر بی اطلاعی یا فریب خوردن
- ۳- معیوب بودن کالا؛ در این صورت، مشتری پس از اطلاع، یکی از سه کار را می تواند انجام دهد : فسخ و پس دادن کالا، رضایت به همان کالای معیوب بدون دریافت مابه التفاوت، دریافت مابه التفاوت (اُرُس).
- ۴- شرط فسخ (در ضمن قرارداد) از سوی یکی از آن دو
- ۵- خرید حیوانات (تا سه روز)
- ۶- تأخیر بیش از سه روز در تحویل کالا
- ۷- منافات داشتن وضعیت کالای تحویلی با مشخصات وصف شده

\* \* \*

## آزمون (۱)

با توجه به شرایط مشتری و بایع :

خرید و فروش با سفیه ..... است، همین طور با نوجوان نابالغ .....  
دادوستد نمود، مگر در مورد کالاهای ..... اگر شخص کالایی را بدون رضایت  
صاحبش به فروش رساند چنین داد و ستدی صحیح ..... ، اما اگر پس از تبادل  
کالا و پول آن، صاحبش اجازه دهد آن داد و ستد ..... است و بیع .....  
نام دارد.

خرید کالا با پول غضبی ..... است. اگر فرد به شوخی کالای خود را  
بفروشد و مشتری نیز بداند، پس از تبادل کالا و مبلغ، مشتری حق ..... آن را پس  
ندهد. اگر پس از فروش زمین معلوم شد وقفی بوده، فروشنده ..... پول گرفته شده  
را به خریدار ..... شخصی که بدون اختیار و از روی ..... و تهدید،  
مجبور به ..... کالای خود به شخص ثالث شده، می تواند با مراجعه به خریدار و  
..... مبلغ دریافتی، کالای خود را ..... بگیرد؛ در این صورت خریدار به  
سبب انعقاد قرارداد رسمی، حق ..... از پس دادن کالا امتناع نماید.

## آزمون (۲)

۱- در صورتی که خریدار حق فسخ داشته باشد، فروشنده ملزم به قبول آن و پس  
دادن مبلغ دریافتی ..... ، و در صورت استنکاف از آن، مرتکب ..... شده و پول  
دریافت شده، حکم مال .... را دارد.

۲- در صورتی که پس از اتمام قرارداد و تبادل کالا، مشتری شرط فسخ کند،  
عمل به آن لازم ..... و فروشنده حق ..... مبلغ را پس ..... .

۳- اگر مشتری (به صورت قرارداد شفاهی یا کتبی) کالایی را خرید ولی تنها  
بخشی از مبلغ آن را، به عنوان بیعانه، به فروشنده پرداخت و باقی را محول به هنگام  
تحویل آن نمود، فروشنده تا ..... روز موظف است آن کالا را برای او نگهدارد و پس  
از گذشت سه روز و عدم مراجعه ی مشتری، می تواند قرارداد را ..... نماید.

۴- کسی که حیوانی سالم را خریداری نماید، تا ۳ روز حق دارد قرارداد را  
..... و حیوان را به صاحبش ..... .

## برای دانش آموزان فعال

«برخی آداب و مستحبات داد و ستد در اسلام»

*آداب مخصوص فروشنده :*

- ۱- کالای فروخته شده را در صورت پشیمانی مشتری پس بگیرد.
- ۲- مقداری بیش از آن چه پول دریافت می کند کالا بدهد، به اصطلاح «چرب تر بکشد».
- ۳- بین خریدارانی که چانه می زنند و آن هایی که چانه زنی نمی کنند تفاوت نگذارد و به کسانی که چانه نمی زنند گراتر از دیگری نفروشد.
- ۴- قبل از طلوع آفتاب به دعا و قرائت قرآن پرداخته و از تجارت بیرهیزد.
- ۵- ابتدای طلوع خورشید شروع به کسب و کار کند و جزو اولین نفراتی باشد که در ابتدای صبح، آغاز به کار می کند.
- ۶- جزو اولین نفراتی باشد که در غروب آفتاب یا ابتدای شب، دست از کار می کشد.
- ۷- از قسم خوردن، حتی اگر راست هم باشد، خودداری کند.
- ۸- بیش از حد از کالای خود تعریف و تمجید نکند (اطلاع رسانی اشکال ندارد).

۹- از افراد مؤمن و با تقوا سود نگیرد (یا کمتر بگیرد).

*آداب مخصوص مشتری :*

- ۱- بر سر قیمت کالا چانه نزند.
- ۲- از قسم خوردن خودداری کند.
- ۳- به عیب جوئی از کالا و ایراد گرفتن از آن نپردازد.
- ۴- پس از اتمام داد و ستد و تبادل کالا و پول، تقاضای تخفیف و پایین آوردن قیمت را نکند.
- ۵- هنگام مذاکره ی دو نفر دیگر در مورد داد و ستد، وارد آن داد و ستد نشود و پیشنهاد قیمت بالاتر ندهد.

## بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- ضرر انجام بیع باطل، متوجه کدام یک از طرفین می‌شود؟
- ۲- چرا رضایت طرفین برای انجام بیع کافی نیست؟
- ۳- حکمت بطلان خرید و فروش با نابالغ چیست؟
- ۴- در صورتی که فروشنده از پذیرش حکم فسخ امتناع نماید وظیفه‌ی خریدار چیست؟

## معاملات حرام

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ :  
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي لَيْلَةِ الْمِعْرَاجِ : يَا أَحْمَدُ ! إِنَّ الْعِبَادَةَ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تِسْعَةٌ  
مِنْهَا طَلَبُ الْحَلَالِ .

مستدرک الوسائل ج ۱۳، ص ۲۰، به نقل از ارشادالقلوب دیلمی

امیرالمؤمنین علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت فرمود که :  
خداوند در شب معراج فرمود : ای احمد! عبادت ده جزء دارد که نه جزء آن  
کسب حلال است.

### انواع معاملات حرام

معاملات حرام، داد و ستدهایی هستند که موجب ضرر و زیان فرد و برخلاف مصالح مردم و جامعه است. این داد و ستدها برچند گونه‌اند :

۱- برخی از آن‌ها ضرر معرفتی دارند و موجب گمراهی یا انحراف در عقاید می‌گردند؛ مانند خرید، فروش و انتشار کتاب و محصولات گمراه‌کننده، کسب درآمد از طریق طالع‌بینی و خبردادن از امور غیب و یا فروش وسایل مرتبط با آن، درآمدهای حاصله از سحر و شعبده‌بازی.

۲- برخی دارای ضرر معنوی از حیث تحریک غرایز هستند : مانند تولید و یا خرید و فروش محصولات فرهنگی فاسد (سی‌دی، نوار، فیلم، کتاب، برنامه‌ی رایانه‌ای)، وسایل دریافت برنامه‌های ماهواره‌ای یا برنامه‌های ورود به سایت‌های غیرمجاز.

۳- برخی دارای ضرر معنوی از حیث غفلت از خدا و اتلاف عمر یا آسیب عقلانی هستند، مانند داد و ستد ابزار قمار، مشروبات الکلی، مواد مخدر و حتی فروش مواد اولیه به این گونه افراد برای ساخت آن، مانند فروش انگور به تولیدکننده‌ی نوشیدنی‌های الکلی.

۴- برخی از آن‌ها موجب ضرر مالی برای یکی از طرفین است؛ مانند تقلب در کالا یا پول، غش در معامله، ربا.

۵- و برخی نیز برای جان افراد جامعه مضرند؛ مانند فروش اسلحه به دشمنان کشورهای اسلامی و یا افراد تبهکار، فروش کالاهای خوراکی نجس یا فاسد.  
اینک به توضیح برخی از این موارد می‌پردازیم:

۱- خرید و فروش مطالب گمراه‌کننده و باطل: شامل موارد تردیدآور و طرح شبهاتی که موجب شک در اعتقادات صحیح می‌گردد، مطالب منحرف‌کننده‌ی فکری یا اخلاقی که منجر به بی‌مبالاتی یا کم‌اهمیتی نسبت به دین و احکام آن می‌شود. این مطالب ممکن است در قالب‌های کتاب، مجله، فیلم و یا دیگر محصولات ارائه گردد.

## فعالیت

مطالعه‌ی کتاب‌های منحرف از روی کنجکاوای چه مخاطراتی در بردارد؟ راه معقول برای نقد این مطالب چگونه است؟

۲- شعبده‌بازی، سحر و مانند آن: انجام تردستی و شعبده، به سبب واقعی‌نشان دادن امور غیرواقعی، می‌تواند موجب تردید و شک در اعتقادات صحیح و امور واقعی شود و در نهایت به شک‌گرایی، نسبی‌گرایی و یا هیج‌گرایی بینجامد. عدم اطمینان به حواس پنجگانه و تردید در باورهای خود، نتایج مخاطره‌آمیزی می‌تواند داشته باشد. برخی شعبده‌بازان چنان با مهارت این کار را انجام می‌دهند که حتی مخاطبین نیز متوجه غیرواقعی بودن آن نمی‌شوند. عده‌ای پیامبران را ساحر معرفی می‌کردند و فکر می‌کردند معجزه نیز نوعی تردستی یا جادوگری است. اسلام جهت جلوگیری از سوء استفاده‌ی افراد فرصت‌طلب در فریب مردم یا القاء شک و تردید در باورهای آنان، شعبده‌بازی و تردستی را ممنوع نموده و درآمد حاصله از انجام یا آموزش آن را حرام کرده است.

غیر از شعبده که امروزه بیشتر برای سرگرم نمودن مردم استفاده می‌شود، اموری مانند سحر وجود دارد که ابزاری جهت شیادی و انجام اعمال شیطانی است. منظور از سحر، کارهایی است که در بدن، قلب یا عقل شخص سحر شده اثر می‌گذارد و موجب تغییر در وضعیت روحی یا هشیاری وی می‌شود. این امور که هنوز طرفداران زیادی را به خود جذب می‌کنند، حتی اگر حقیقی باشند، جایز نیست و بهره‌برداری از چنین روش‌هایی حرام شمرده می‌شود.

## فعالیت

تفاوت دعا خواندن را با برخی اعمال توصیه شده از سوی شیادین برای دفع گرفتاری‌ها مقایسه کنید. اثر نمودن برخی اوراد یا طلسمات و مانند آن را چگونه توجیه می‌کنید؟

۳- طالع‌بینی، خبر دادن از غیب و مانند آن: برخی از علوم، درباره‌ی ارتباط با عالم غیب و خبر از آینده یا گذشته‌اند و صاحبان آن از این طریق مبادرت به کسب درآمد می‌کنند. هرچند در کنار مدعیان دروغین بشمار، برخی از این پیشگویی‌ها ممکن است راست باشد ولی با دعا یا عمل انسان قابل تغییرند و نمی‌توان به آن‌ها اعتماد نمود. از این رو، این روش‌ها به هیچ وجه مورد تأیید اسلام نیست و استفاده و نیز دریافت پول برای آن حرام است.

## فعالیت

- ۱- دین اسلام چه روش‌هایی را به‌جای طالع‌بینی برای باخبر شدن از آینده پیشنهاد می‌نماید؟
- ۲- ضرر پناه بردن به پیشگویی‌ها و استفاده از روش‌های غیر شرعی چیست؟
- ۳- علت درست درآمدن برخی طالع‌بینی‌ها چیست؟

۴- وسایل غیر مجاز فرهنگی: همان‌طور که استفاده از این ابزار نامشروع است درآمد حاصله از آن نیز حرام می‌باشد. علاوه بر محصولات مبتذل و مستهجن، انتشار تصاویر خصوصی افراد یا انتشار غیرقانونی محصولات مجاز افراد نیز جایز نمی‌باشد.

## فعالیت

معیار تشخیص مجاز یا غیر مجاز بودن یک کالای فرهنگی چه مرجعی می‌باشد؟

۵- ابزار و آلات اقدار، ماهواره و دیگر ابزار مشترک غالب در حرام: برخی وسایل، اختصاص به استفاده در کار حرام دارند، مانند آلات قمار، و برخی دیگر چنین نیستند بلکه مشترک



هستند؛ مانند انگور.

خرید و فروش ابزار مشترک به افرادی که قصد استفاده‌ی حرام از آن را دارند «گناه» محسوب می‌شود. همین‌طور فروش اسلحه به جنایتکاران، دزدان و دشمنان اسلام. خرید و استفاده از وسایلی که معمولاً استفاده‌ی غیرحلال از آن‌ها می‌شود، حتی به قصد استفاده‌ی حلال از آن نیز جایز نیست؛ مانند ظروف مخصوص مشروبات الکلی. خرید، فروش، نصب، مشاوره و یا استفاده از ابزاری مانند فیلترشکن، سایت‌های غیرمجاز و دریافت‌کننده‌ی ماهواره که به سبب خصوصیات آن می‌تواند موجب انحراف خانواده و فرزندان شود نیز بنا به فتوای مراجع تقلید حرام است.

## فعالیت

- ۱- کدام خصوصیت برنامه‌های ماهواره مانع از استفاده از آن به قصد مشاهده‌ی برنامه‌های سالم آن می‌شود؟
- ۲- راه صحیح بهره‌مندی از اطلاعات روز جهان و مشاهده‌ی برنامه‌های سالم رسانه‌ها چیست؟

۶- **تقلب در کالا یا پول و غش در معامله:** از دیگر موارد معاملات حرام، فریب مشتری یا خریدار است؛ غش در داد و ستد به معنی آمیخته کردن جنس نامرغوب با مرغوب بدون اطلاع مشتری است؛ مانند اضافه کردن آب یا آب اکسیژنه در شیر، آمیختن برنج بد با خوب، مخلوط کردن روغن نباتی با حیوانی.

۷- **خرید و فروش مواد حرام و نجس:** شامل گوشت خوک، گوشت مردار، گوشت‌های ذبح‌شده به طریقه‌ی غیراسلامی و مشروبات الکلی. خرید و فروش خون جهت استفاده در مصارف پزشکی و نجات جان بیماران، در صورت عدم ضرر، جایز است همین‌طور خرید و فروش (و نگهداری) سگ شکاری یا نگهبان جایز است.

۸- **ربا:** ربا یعنی زبانی، و در اصطلاح عبارت از دریافت بیش از حق خود در داد و ستد یا قرض است. حرام بودن ربا در قرآن و روایات از مسلمات است و جزو گناهان کبیره محسوب می‌شود.

## برای دانش آموزان فعال

«ریا» برخلاف نامش، نه تنها موجب زیاد شدن دارایی انسان نمی‌گردد بلکه به اراده‌ی خداوند، نابود می‌شود و از بین می‌رود: **يَمَحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزَيِّبُ الصَّدَقَاتِ**<sup>۱</sup>. در روایتی از امام صادق عليه السلام در رابطه با این آیه پرسیده شد: «چگونه است که گاهی می‌بینیم کسی که ربا می‌خورد مالش افزایش می‌یابد؟» و امام عليه السلام پاسخ فرمودند: «و کدام نابودی بالاتر از نابودکنندگی یک درهم ربا؟! دین او را نابود می‌سازد! و اگر از عمل خویش توبه ننماید دارایی‌اش می‌رود و فقیر می‌شود»<sup>۲</sup>.

نابودی و ویرانگری از لوازم جدایی‌ناپذیر ربا است هم‌چنان‌که برکت و نمو دادن مال اثر لاینفک صدقه است پس ربا هرچند که نامش ربا (زیادی) است لیکن از بین رفتنی است و صدقه هرچند که نامش را زیادی نگذاشته باشند، زیاد شدنی است و لذا وصف ربا را از ربا می‌گیرد و به صدقه می‌دهد و ربا را به وضعی که ضد اسم او است توصیف می‌کند.

## آثار زیانبار ربا در جامعه

خداوند در قرآن با لحن شدیدی اعلام می‌دارد: «و اگر دست از رباخواری برنمی‌دارید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده‌ی وی برخاسته‌اید» (بقره ۲۷۹). خداوند در آیات مربوط به ربا (آیات ۲۷۵ تا ۲۷۹ بقره) چنان شدتی به کار برده است که درباره‌ی هیچ‌گناهی، جز پذیرفتن سلطه‌ی دشمنان دین، به کار نبرده است؛ چرا که آثار زیانبار ربا، اساس دین و زندگی انسانی را از بین می‌برد؛ رباخوار با گرفتن پول بلاعوض از دیگران، خون فقیران را در شیشه می‌کند و با افزایش روزانه‌ی ثروت خود، به اختلاف طبقاتی و دشمنی دامن می‌زند، و با از بین بردن روحیه‌ی شفقت و مهربانی باعث تشدید اختلاف و ناامنی در جامعه و ترویج مادی‌گرایی می‌شود.

رباخوار به جای کار و تلاش برای تولید، تهیه و توزیع کالا در میان جامعه و شرکت در سود و زیان ناشی از تجارت، با سرمایه‌ای که در دست وی به امانت است و

۱- خداوند خیر و برکت ربا را می‌ستاند و آن را به سوی نابودی سوق می‌دهد ولی صدقات را افزایش می‌دهد. (سوره بقره، آیه‌ی

وظیفه دارد آن را به نفع خود و جامعه‌ی خویش صرف نماید، مبادرت به سوء استفاده کرده و به هنگام احتیاج دیگران به آن سرمایه، زیادتز از آنچه را می‌دهد طلب می‌کند. رباخوار به ثروت‌اندوزی می‌پردازد و افراد ضعیف روز به روز فقیرتر گشته و این امر موجب سلطه‌ی وی بر مردم می‌گردد. از یاد نبرده‌ایم کشورهای فقیری را که در استقراض از دولت‌های استعماری فرورفته و تاب بیرون آمدن از آن را ندارند.

## انواع ربا

ربا بر دو گونه است: ربا در داد و ستد و ربای قرضی.

۱- ربا در داد و ستد: عبارت است از مبادله دو کالای مثل هم همراه با دریافت مقدار اضافی؛ مانند فروش یک کیلو گندم اعلا به دو کیلو گندم عادی، یا تعویض طلای دست دوم با طلای نو در قبال مبلغی پول. این نوع ربا منحصر به عقد بیع نیست و سایر عقود اسلامی مانند صلح را نیز شامل می‌شود. شرط دوم تحقق ربا در داد و ستد عبارت است از این که خرید و فروش کالا در عرف به صورت وزنی یا پیمانه‌ای باشد.

بنابراین در صورتی که کالایی به صورت عددی یا مشاهده‌ای داد و ستد شود، ربا در آن کالا تحقق نمی‌یابد.

### فعالیت

۱- مثال‌هایی از تحقق ربا و عدم تحقق آن در داد و ستدهای روزمره را ارائه کنید.

۲- طرز صحیح تعویض طلای کار کرده با طلای نو را بیان کنید.

۲- ربای در قرض: عبارت است از قرض دادن به دیگری به شرط دریافت زیادتز؛ خواه به طور صریح شرط کنند یا پرداخت قرض مبتنی بر آن باشد. این نوع ربا شدیداً حرام است.

### فعالیت

در برخی از کتاب‌ها روش‌هایی برای رهایی از ربا ذکر شده است که به وسیله‌ی آن مقدار اضافی از لحاظ شرعی حلال باشد. این روش‌ها که به کلاه شرعی معروفند رهایی

واقعی از ربا نیست و حرمت آن اضافی را تصحیح نمی‌کنند. با استفاده از اطلاعات عمومی خود و یا مراجعه به کتاب‌های فقهی، چند نمونه از این راه‌ها را ذکر کنید. سپس راه‌حلهایی غیر از قرض دادن را بیابید که خالی از ربا باشد.

\* \* \*

### بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- تفاوت معاملات حرام را با باطل بیان کنید.
- ۲- فلسفه‌ی تحریم ربا در اسلام چیست؟
- ۳- تفاوت سود بانکی با ربا چیست؟

## اصطلاحات اقتصادی اسلام (۱)

روابط اقتصادی در هر جامعه به شکل‌های مختلف وجود دارد و در ادبیات اسلامی نیز اصطلاحات خاصی برای برخی از این روابط وجود دارد که آشنایی با آنها برای هر مسلمانی لازم است.

### ۱- انفال

انفال جمع نَفْل به معنی بخشش است. و در اصطلاح فقهی عبارت است از ثروت‌ها و سرمایه‌های طبیعی که بدون تلاش در اختیار جامعه اسلامی قرار گرفته است. این موهبت‌های خدادادی، اموال عمومی مسلمین محسوب شده و لازم است از دستبرد و انحصار افراد مصون بماند؛ لذا همان‌طور که در ابتدای سوره انفال اشاره شده، حق تصرف آن در اختیار حکومت اسلامی است تا در ضرورت‌های اجتماعی و مصالح جامعه به‌کار گرفته شود. نحوه‌ی استفاده از آن را پیامبر و جانشینان وی تعیین می‌کنند. برخی از موارد انفال عبارتند از:

۱- کلیه‌ی زمین‌های بدون مالک؛ شامل: بیابان‌ها، کوه‌ها، جنگل‌ها، معادن، ساحل دریاها، جزایر، کناره‌ی نهرهای بزرگ، زمین‌های بایر، ارتفاعات دره‌ها و کلیه‌ی آبادی‌هایی که اهالی آن مهاجرت کرده و به صورت ویرانه درآمده است و نیز هرچه در آن مناطق وجود داشته است؛ از قبیل گیاهان، درختان، سنگ‌ها، چوب‌ها و آثار باستانی به جا مانده در آن‌جا.

۲- اموال، جواهرات گرانبها، کاخ‌ها، زمین‌ها و گردشگاه‌های مخصوص پادشاهان و کلیه‌ی اموال غیرمنقول که پادشاهان در انحصار خود قرار داده‌اند.

۳- ارث کسی که از دنیا رفته و وارثی ندارد.

۴- کلیه اموال و سرزمین‌هایی که بدون جنگ و لشکرکشی به دست مسلمانان افتاده است.

## فعالیت

با مراجعه به تفاسیر قرآن درباره آیهی نخست سورهی انفال تحقیق نموده و آن را به کلاس ارائه نمایید.

## ۲- وقف

وقف عبارت است از رها ساختن مال خود از قید مالکیت شخصی، و عمومی نمودن منافع آن در راه خدا. به تعبیر دیگر؛ «واقف» جهت تحصیل اجر اخروی و بهجا گذاشتن میراث ماندگار، خرید و فروش آن چه وقف نموده را ممنوع ساخته و منافعی را بهطور رایگان در اختیار عموم مردم یا گروه خاص (مانند ایتم) قرار می‌دهد. مصرف منافع آن موقوفه مطابق نظر واقف و در اموری که وی معین نموده است صورت می‌گیرد.

## برای دانش‌آموزان فعال

چاه‌های حفر شده در مدینه که تا امروز باقی است حاصل دسترنج امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که آن را در راه خدا وقف نموده است تا پس از حیات خویش از ثواب «صدقه‌ی جاریه» بهره‌مند گردد.

## فعالیت

چند موقوفه از شهر خود را نام ببرید.

\* \* \*

## ۳- هبه

هبه یا همان هدیه عبارت است از این که شخصی مال خود را بهطور مجانی و بدون عوض به دیگری تملیک کند. هدیه دادن به ویژه به خویشان و اقوام، بسیار مستحب است و از موارد صلهی رحم به‌شمار می‌آید. هم‌چنین موجب فزونی محبت بین افراد می‌گردد. دین مبین اسلام مسلمانان را سفارش به پذیرش هدیه و رد نکردن آن نموده است.

## پیامبر اکرم ﷺ :

به یکدیگر هدیه دهید و محبت ورزید؛ به یکدیگر هدیه دهید که موجب رفع کینه و کدورت می‌گردد.<sup>۱</sup>

تبعیض در بخشش به فرزندان اگر موجب کینه و دشمنی و اختلاف گردد حرام است و اگر بدون دلیل موجه عقلی و صرفاً از روی احساسات باشد مکروه و کاری ناپسند است.

هبه جزو عقود است یعنی احتیاج به ایجاب و قبول دارد و تا زمانی که طرف مقابل آن را تحویل نگرفته محقق نمی‌شود. گرچه پس گرفتن هدیه امری پسندیده‌ای نیست ولی اگر هدیه دهنده پس از تسلیم آن پشیمان گردد در برخی موارد این حق را داراست که خواهان پس‌گیری آن شده، و هدیه گیرنده نیز موظف است که آن را بازگرداند. این موارد عبارتند از :

- ۱- هدیه گیرنده از ارحام وی نباشد؛ یعنی جزء افرادی نباشد که در طبقات ارث از او قرار دارند؛ مانند پدر، مادر، فرزند، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله، پدربزرگ و مادربزرگ.
- ۲- هر دو طرف در قید حیات باشند.
- ۳- هدیه به صورت اولیه‌ی خود باقی مانده باشد.
- ۴- در قبال آن کاری از طرف مقابل صورت نگرفته باشد.
- ۵- به نیت صدقه و قرب الهی انجام نشده باشد.

## فعالیت

با توجه به مطالب ذکر شده :

- ۱- هدیه دهنده در کدام موارد حق مطالبه‌ی هدیه‌ی خود را ندارد؟
- ۲- اگر پس از قرار بخشش و قبل از تقدیم آن یکی از دو طرف فوت کند، تکلیف آن مال چه می‌شود؟

## عبرت

«شگفت‌آورتر این که شبانه کسی به دیدار ما آمد<sup>۲</sup> و ظرفی درپوشیده پراز حلوا

۱- وسائل الشیعه ج ۱۷، ص ۲۸۷

۲- وی اشعث بن قیس بود که فردای آن روز قرار بود به پرونده‌ی وی در دادگاه رسیدگی شود.

همراه خود آورده بود؛ چنان از آن متنفر شدم که گویی آن را با بزاق ماری سمی مخلوط کرده‌اند! بدو گفتم: این هدیه است یا زکات یا صدقه؟ که زکات (صدقه‌ی واجب) بر ما اهل بیت حرام است. گفت: نه زکات است و نه صدقه، بلکه هدیه است! گفتم: زنان بچه مرده بر تو بگیرند! آیا از راه دین خدا وارد شده‌ای تا مرا فریب دهی؟ یا عقلت آشفته شده، مجنون شده‌ای یا هذیان می‌گویی؟! به خدا سوگند اگر هفت اقلیم و آنچه را زیر آسمان‌ها است به من دهند تا درباره‌ی یک مور نافرمانی خداوند را به‌جا آورم و پوست جوی را از او بگیرم، چنین نخواهم کرد!<sup>۱</sup>

## فعالیت

با توجه به عبارت فوق، چگونگی تشخیص هدیه را از رشوه بیان کنید.



## ۴- قرض

### کلام وحی

إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ

سوره‌ی تغابن، آیه‌ی ۱۷

اگر به خداوند قرضی نیکو دهید، آن را برایتان دو برابر ساخته و شما را می‌آمرزد؛ و خداوند سپاسگزار و بردبار است.

قرض عبارت است از قراردادی که شخص در مقابل انتقال مالکیت سرمایه از سوی قرض‌دهنده به وی، ضمانت پرداخت همان مال یا مثل و یا قیمت آن را برعهده می‌گیرد. گره‌گشایی از کار دِبِگران و قرض دادن به مسلمانان، مخصوصاً مؤمنی که نیازمند به آن باشد، اجر فراوانی دارد و در آیات قرآنی و روایات اسلامی به آن سفارش شده است. قرض گرفتن در صورت عدم حاجت، عملی مکروه است، و هر مقدار که نیاز به قرض شدیدتر باشد کراهت خفیف‌تر می‌شود، تا به جایی که شدت

۱- نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۲۴



حاجت، کراهت را به کلی از بین می‌برد. بلکه گاهی واجب می‌شود؛ مانند حفظ جان از خطر تلف شدن، حفظ آبرو، و امثال آن.

## فعالیت درسی

با مراجعه به تفاسیر قرآن، خصوصیات را که موجب حسنه بودن قرض می‌گردد بیان نمایید.

قرض دادن به دو صورت است: «مدت‌دار» و «بدون مدت». در قرض «مدت‌دار» زمان پرداخت بدهی تعیین می‌گردد برخلاف «بدون مدت» که در آن زمان پرداخت قید نشده است. قرض‌گیرنده موظف است با فرارسیدن زمان بدهی خود، بدون هیچ عذری آن را بپردازد.

اگر هنگام سررسید بدهی، بدهکار دچار تنگدستی باشد طلبکار باید به وی مهلت دهد تا با تلاش و فضل الهی توان بازپرداخت بدهی خویش را پیدا نماید و به سختی انداختن بدهکار از اموری است که در اسلام شدیداً مذمت شده است.

اگر قرض‌دهنده شرط کند که بیش از آن مقدار که پرداخت کرده دریافت کند، ربا و از گناهان کبیره است و در صورت دریافت آن مازاد، قرض‌دهنده مالک آن مال نمی‌شود و ضامن است. البته مستحب است که بدهکار مبلغی مازاد بر آنچه قرض گرفته به طلبکار برگرداند و گرفتن این پول — در صورتی که از ابتدا شرط نکرده باشند — برای طلبکار جایز است.

## برای دانش‌آموزان فعال

از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمود:

«کسی که به برادر مسلمان خود قرض دهد

برای هر دره‌می که به او قرض داده باشد حسنه‌ای همسنگ کوه اُحُد از کوه‌های

رضوی و طور سینا دارد.

و اگر در مطالبه‌ی قرض خود، با وی مدارا کند او را بدون حساب و بدون عذاب

چون برق از پل صراط عبور می‌دهند.

و اگر کسی برادر مسلمانش نزد او از تهی‌دستی شکایت کند و او به وی قرض

ندهد خدای تعالی در روزی که پاداش نیکوکاران را می‌دهد او را از بهشت محروم

می‌سازد».

تحریر الوسیله حضرت امام خمینی، ج ۳

در کتاب اصول کافی نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده است که :

«بر سر در بهشت نوشته شده است : صدقه دادن ده ثواب و قرض دادن هجده

ثواب دارد.»

\* \* \*

قرض دادن علاوه بر پاسخگویی به مشکلات اقتصادی هم‌نوعان و برآمده شدن نیازهای مالی افراد، موجب برطرف شدن غم و اندوه یکدیگر و حفظ آبروی نیازمندان می‌شود و بدین صورت موجب تقویت اتحاد و همبستگی میان برادران دینی و افزایش احساس رضایتمندی از زندگی می‌گردد.

\* \* \*

## ۵- رهن

رهن قراردادی است که مطابق آن، طلبکار چیزی را در برابر بدهی فرد گرو می‌گیرد و تا زمان دریافت طلبش آن را به امانت نزد خود نگهداری می‌کند؛ مانند این که بانک در قبال پرداخت وام قبالی منزل را گرو بگیرد و نزد خود نگاه دارد. این کار موجب استحکام قرارداد و اطمینان از پرداخت بدهی می‌گردد. گروگیرنده نمی‌تواند بدون اجازه‌ی گروگذار در رهن تصرف نماید.

## برای دانش‌آموزان فعال

امروزه اصطلاح رهن به نوعی اجاره نیز گفته می‌شود که مستأجر در عوض مال الاجاره مقداری پول را نزد صاحبخانه گذاشته و در آخر سال آن را دریافت می‌کند. این اجاره زمانی صحیح است که مبلغی را، هرچند اندک، به عنوان اجاره تعیین کنند و مبلغ رهن را به عنوان قرض الحسنه و در قالب شرط ضمن عقد اجاره به موجر تسلیم کنند.

## ۶- اجاره

عقدی است که در نتیجه‌ی آن حق بهره‌برداری از منافع کالا یا کار انسان در مدت مشخص

به شخص مقابل اعطا گردیده و در قبال آن مقدار مبلغ معینی دریافت می‌گردد. اجاره بر دو نوع است :

- ۱- اشیاء؛ مانند ملک، ماشین، کالا، لباس و مانند آن. ۲- کار و تلاش انسان؛ مانند خدمات کارمندان و کارگران. در نوع اول، کرایه‌دهنده را «موجر» و کرایه‌کننده را «مستأجر» می‌نامند، و در نوع دوم، کارگر و کارمند را «مستخدم» و قرارداد اجاره را «استخدام» نیز می‌گویند.

\* \* \*

### بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- در حال حاضر اختیار انفال در دست کیست؟
- ۲- تغییر در مصرف موقوفه منوط به تحقق چه شرایطی است؟ چند مثال بزنید.
- ۳- علت برتری قرض دادن نسبت به صدقه و کمک مالی چیست؟
- ۴- برتری‌های رهن گرفتن را بر اخذ چک، سفته و ضامن برشمارید.

### اصطلاحات اقتصادی اسلام (۲)

#### ۷- وکالت

وکالت عبارت است از این که انسان انجام برخی از کارهای خود را به دیگری واگذار کند؛ مانند وکالت در فروش یا خرید خانه. اختیارات «وکیل» مطابق توافق بین او و «موکل» وی می‌باشد و نمی‌تواند از آن تخطی نماید. وکالت، عقدی جایز است یعنی موکل هر زمان بخواهد می‌تواند وکیل را عزل نماید.

#### فعالیت

با کمک دبیر خود، مواردی از کاربردهای رایج وکالت را در زندگی روزمره نام

ببرید.

#### ۸- مضاربه

برخی توانایی کار دارند ولی سرمایه‌ای ندارند، در مقابل، کسانی هستند که سرمایه دارند ولی مهارت یا امکان تجارت یا فعالیت اقتصادی ندارند. مضاربه عبارت از قرارداد همکاری بین این دو است به گونه‌ای که یکی عهده‌دار سرمایه و دیگری عهده‌دار کار برای تجارت می‌شود و سود (و زیان) میان آن دو به نسبتی که توافق می‌کنند تقسیم می‌گردد.

مثال: دو نفر باهم قرارداد مضاربه امضا کردند و قرار گذاشتند که یک چهارم (۲۵٪) سود حاصله به صاحب سرمایه و باقی به «عامل» تعلق بگیرد. مبلغ پرداختی صاحب سرمایه جهت مضاربه یک میلیون تومان بود و میزان سود کل در پایان ماه، دویست هزار تومان. بنابراین به صاحب سرمایه پنجاه هزار تومان سود پرداخت گردید.

توجه: از آنجا که میزان سودآوری در فعالیتهای اقتصادی نامعلوم است، طرفین چگونگی تقسیم سود را باید به صورت کسر یا درصدی از سود نهایی تعیین نمایند، ولی اگر از ابتدا مبلغ مشخصی

را به عنوان سود یکی از طرفین تعیین کنند، ربا خواهد شد. مثلاً اگر در مثال قبل قرار بگذارند که هر ماه پنجاه هزار تومان به صاحب سرمایه سود پرداخت گردد ربا می‌شود و حرام است.

## فعالیت

آیا می‌توانید تفاوت این دو قرارداد را با یکدیگر بیان کنید و علت ربا بودن قرارداد دوم را توضیح دهید؟



## ۹- صلح

در داد و ستد و امور روزانه گاهی ممکن است ابهام یا اختلاف نظری پیش آید که تعیین حق طرف مقابل دشوار یا ناممکن باشد. در این موارد بهترین راه «مصالح» و رضایت طرفینی است؛ بدین صورت که هر دو طرف توافق نموده و یکدیگر را حلال کنند. به عبارت دقیق‌تر؛ صلح عبارت است از رضای شدن دو نفر به تملیک شیء یا منفعتی به یکدیگر و یا ساقط نمودن حق یا دین از گردن یکدیگر. در مواردی که اختلاف وجود نداشته باشد نیز می‌توان صلح نمود و ملکیت چیزی را به دیگری داد یا حقی را ساقط نمود. وجود چنین قانونی در دین اسلام علاوه بر چاره‌اندیشی در نزاع‌ها و مشکلات و رفع بن‌بست‌ها، راهی جهت گسترش صلح و آرامش در جامعه، رفع کدورت‌ها، پاکیزه شدن اموال و خلاصی از حق الناس است.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۰

مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس میان دو برادر خویش صلح و آشتی برقرار کنید و تقوای الهی بیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید.



## ۱۰- ضمان

ضمان عبارت از قرارداد به عهده گرفتن مالی است که در ذمه فرد و یا اشخاص دیگر ثابت شده

باشد. مثل این که به طلبکار بگوید: «من بدهی فلان شخص را ضمانت یا تعهد می‌کنم». در نتیجه، آن دین از ذمه بدهکار به ذمه ضامن منتقل می‌شود و ذمه بدهکار بریء می‌گردد. در صورتی که ضامن به اذن بدهکار ضمانت کرده باشد، بعد از پرداخت وجه الضمان، می‌توان آن مقداری را که به طلبکار پرداخته از او مطالبه کند.

## برای دانش آموزان فعال

هر انسانی در قبال کارهای خود باید پاسخگو باشد. این احساس مسئولیت در مواردی که مربوط به اموال یا حقوق دیگران (حق الناس) می‌شود حساس‌تر است و بی‌توجهی به آن می‌تواند عواقب ناخوشایندی در زندگی و جهان آخرت در پی داشته باشد.

در مواردی که بر اثر بی‌احتیاطی خسارتی بر اموال دیگران وارد سازد ملزم به پرداخت خسارت است و در اصطلاح فقهی «ضامن» است. ولی در مواردی که بر اثر حادثه این خسارت وارد شود گاهی هر دو طرف به نسبت مساوی باید متحمل آن ضرر و زیان گردند و گاهی فقط یکی از آن دو! تفصیل این احکام در کتب فقهی، به‌ویژه کتاب‌های قواعد فقهیه ذکر شده است. مثلاً اگر وسیله‌ای را به دوست خود عاریه دهید (به اصطلاح عرفی امانت دهید تا استفاده کند) و بر اثر اتفاق (و نه سهل‌انگاری) آسیبی به آن وارد آید حق گرفتن خسارت از دوست خود را ندارید؛ ولی اگر در مغازه کالایی را جهت مشاهده بردارید و از دستانتان به زمین بیفتد باید خسارت آن را پرداخت کنید ...



## ۱۱- نُقْطَه

نقطه عبارت از هر شیء پیدا شده‌ای است که مالک آن فعلاً مشخص نباشد؛ مانند اشیاء جامانده، متروکه و یا مسروقه‌ای که در اماکن عمومی یا شخصی پیدا می‌شود. در صورت برداشتن، شخص ضامن نگهداری و رساندن آن به مالک اصلی خواهد بود.

در مواردی که برداشتن، موجب تلف شدن آن شیء شود جایز است فرد مسلمان این مسئولیت را برای حفظ حقوق دیگر برادران دینی خود برعهده گرفته و اقدام به نگهداری آن نماید. در این

صورت وی موظف است تا یک سال به جستجوی مالک آن کالا پردازد و آن را در اماکن عمومی اعلان نماید. سپس در صورت پیدا نشدن صاحب آن، از طرف صاحبش آن را صدقه دهد یا نزد خود به امانت نگهدارد و یا این که برای خود بردارد به شرط این که اگر صاحبش پیدا شد به وی بدهد.

### فعالیت

اگر پولی را پیدا کنید و صاحبش را شناسید چه می‌کنید؟ آیا انداختن آن در صندوق صدقه صحیح است؟

\* \* \*

### ۱۲- جُعَاله

نوعی قرارداد یک‌طرفه است که فرد متعهد می‌شود به هر شخصی که بتواند کار خاص اعلام شده را برای وی انجام دهد پاداش معینی پرداخت کند.

### فعالیت

مثال‌هایی در مورد جُعَاله ذکر کنید.

\* \* \*

### بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- تفاوت «وکالت» با «وصیت» چیست؟
- ۲- کاربرد «مضاربه» در عقود بانکی (حساب‌های پس‌انداز) به چه صورت است؟
- ۳- آیا می‌توان قرض ربوی را به وسیله‌ی «صلح» حلال و شرعی کرد؟ نظر مرجع خود را بنویسید.
- ۴- تفاوت ضمانت مصطلح فقهی را با ضمانت رایج در جامعه (بانک‌ها، صندوق‌های قرض‌الحسنه) را با توجه به درس شرح دهید.
- ۵- آیا «جُعَاله» همان «مژدگانی» است؟ تفاوت آن دو را بیان کنید.

## منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم، ترجمه‌های فولادوند و آیت‌الله مکارم شیرازی
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمددستی
- ۳- تحریر الوسیله، امام خمینی (ره)
- ۴- رساله‌ی نوین، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی
- ۵- رساله‌ی توضیح المسائل مراجع
- ۶- تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)
- ۷- تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی و جمعی از محققان
- ۸- مسئله‌ی حجاب، استاد شهید مرتضی مطهری
- ۹- داستان راستان، استاد شهید مرتضی مطهری
- ۱۰- حماسه‌ی حسینی، ج ۲، استاد شهید مرتضی مطهری
- ۱۱- تحف العقول، ابو محمد بحرانی (ره)
- ۱۲- اصول کافی، شیخ کلینی (ره)
- ۱۳- فروع کافی، شیخ کلینی (ره)
- ۱۴- من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق (ره)
- ۱۵- خصال الشیعه، شیخ صدوق (ره)
- ۱۶- وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی (ره)
- ۱۷- مستدرک الوسائل، محدث نوری (ره)
- ۱۸- غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد آمدی
- ۱۹- دین و زندگی سال دوم دبیرستان، دکتر محمد مهدی اعتصامی

